

Address

26-1, AheriPuker Road,
CALCUTTA.

قیمت اشتراك

(هندوستان)

شش ماهه

سالانه

۱۰ روپيه

۱۸ روپيه

(ایران)

۱۷ ريال

يك و نیم پهلوی

ممالك ساره سالانه

يك و نیم ایزه انگلیسی

مؤسسه ۱۳۱۱ هـ

Registered
No. C. 1311

مدیر مسئول

جلال الدین الحسینی مؤید

(دیر تالی)

ق - س - مؤید زاده

(مقام)

ج - م - کاشانی

نمره ۲۶ - ۱ امری پوکر رود کلکته

المنشآت

سه شنبه ۲۲ مهر ماه ۱۳۰۹ شمسی - ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۴۹ قمری - ۱۴ اکتوبر ۱۹۳۰ میلادی

فهرست مندرجات

از صفحه ۵ قوانین تفایش و متعم اسعار - ۶ سیاست آئنده وسط آسیا - ۷ اوضاع هند - ۸ زنان آزادی و مساوات جوانیستند - ۱۰ يك قدم تاس
منزل سعادت - ۱۱ حبال المین ، عریضه سر کشاده - ۱۳ بیگانگان در کشور ما - ۱۴ رشوه و بی لکاهی - ۱۶ انتقاد از حبل المین - ۱۷ از سبزواری
۱۸ شبستر قابل توجه است ، نقائص عمرانی افشار - ۲۰ تبدیل لسان ، مقلطه نباید کرد - ۲۱ اهالی بد بخت کروس - ۲۲ از سینان ، تشکر -
۲۳ مهر ، شاهین ، وطنیه ، مرض افلورنرا - ۲۵ از درگاه باری تعالی - ۲۷ سرعت ایصال بست ، حبال المین - ۲۹ پروگرام بلدی طهران ، اقتباسات -
۳۲ اعلانات

تشکیلات حزبی

(توجه بذات ملوکانه است)

اعلیحضرتا -

شعشوق مادر وطن و افسر آن بدو يك حزبی کند که
این پر خادام ایرانیت و اسلامیت چون ترا خادم صادق ایران
تشخیص داده از صمیم قلب دوست دارد و بدون هیچ غرض
و طمع آنچه خیر ملت و سلطنت اعلیحضرت است هماره
پیشنهاد نموده و تا وقتی هم که زبان در کام و قلم در دست داشته
باشد گفته و خواهد نکاشت حبل المین دندان بروی حرف
نمیگذارد و یقین هم دارد که اعلیحضرت در این مدت ده
ساله حکمداری تصدیق دارند که کارکنان این نامه ملی بدون
اطلاع و از روی هوا و هوس چیزی نه نکاشته نیم قرن
می گذرد که هماره در میادین شرق با گوی و چوکان سیاست
بازی نموده صدمه ها دیده رنجها برده تجربه ها حاصل کرده
اند از این رو آنچه نویسنده با متبای خیر خواهی و عاقبت
اندیشی است

از چندی باین طرف که آن اعلیحضرت میل و رجحان
خودشان را در استحكام حکومت ملی ابراز و بوکلای مجلس
امر به تشکیلات حزبی دادند منتظر بودیم که این موضوع

را در جرائد مرکز هم مشاهده نمائیم بحمدالله این هفته غالب
جرائد مرکز سر مقاله های خودشان را به تشکیلات حزبی
زینت بخشوده در این موضوع متبای بحث های بسیط
نموده عامه را حاضر برای قبول حزب ساخته اند

بحث جرائد مرکز بیشتر بروی دو اصل است اول
اینکه ایران يك حزبی باشد یا دو حزبی - دوم اعلیحضرت
قائد حزب یا متبائل بحزبی باید باشند یا نه البته بحث
در این موضوع اساسی است مگر اول باید دانست که غرض
از تشکیلات حزبی چیست آیا این تشکیلات برای
تقویت سلطنت دکتیری است یا تحکیم حکومت ملی اگر
غرض تنها ترقی دکتیری باشد می تواند ایران هم مانند روس
ترک ، ایتالی يك حزبی بوده و اعلیحضرت هم در رأس آن
قرار گیرند ولی اگر مقصود تحکیم حکومت ملی با رژیم
دموکراسی است که باطناً و ظاهراً حامی حکومت گردد
ایران هم مجبور است دو حزبی شده و اعلیحضرت هم بیطرف
و غیر مشول در رأس قوایم اجراییه چنانچه هستند قرار گیرند
غرض بحث اساسی است کویا ارباب قلم طهران اشتباهاً
رژیم را هم حزب پنداشته از این رو برای ایران يك حزبی را

مفید تر بیان می کنند و حالانکه يك حزبي رژیم است نه حزب مثل رژیم ساویتی که حزب نیست رژیم حکومت است همان قسم رژیم فاشیست او را هم حزب نمی نامند اگر این تصدیق شود ایران فعلاً هم رژیم پهلوی را داراست محتاج بزرحت تازه نیست تمام ایرانیان حساس پیرو رژیمی هستند که آن اعلیحضرت در رأس آن قرار گرفته اند و این رژیم هم برای ایران نافع تسلیم شده است از این رو کسانی که ایران را يك حزبي پستیده و شاه را هم دخیل در حزب می خواهند تحصیل حاصل است

اعلیحضرت از هر کس بهتر میدانند که ما بدین بهر رژیمی که آن اعلیحضرت در رأس آن قرار گیرند نیستیم و تصدیق هم داریم که تاریخ نشان میدهد که افتخارات مشعشع ایران در ادوار گذشته نیز در سایه دکتیترهای رشید پیدش آمده است و ما منویات ترقی خواهانه اعلیحضرت را از شاه شاه بزرگ ساسانی اردشیر اول کمتر نمیدانیم و طولی هم نخواهد کشید هان برفیات را که ایران در زیر لوای اردشیر حاصل نمود در سایه پرچم اعلیحضرت هم حاصل نماید - ولی تنها خطری که متصور است اینکه حکومت های دکتیتری همان قسمی که بسرعت پیشرفت می نمایند به جله هم از میان میروند و مقصود حساسین و منورین از حکومت ملی آنست که در سایه آن ملت به رشد و بلوغ مدنی نائل آمده بروی پای خود ایستاده حقوق حقه خود را در مقابل هر حادثه و سانحه حفظ نموده پشتیبان دولت خود گردد چه در حکومت ملی تکیه افراد بخود اوست و لابد است برای صیانت خود بهر گونه تشبیهات مقتضیه قیام نماید و بر عکس در حکومت های دکتیتری تمام اعتماد و توسل بشخص قائد است و این امر افراد ملت را از سعی و عمل باز میدارد و در حقیقت ضد فلسفه تشکیل حکومت ملی است حالا اگر منورین ایران و حاضرین و ناظرین مقام چنین صلاح دیده اند که ایران تا چندی دیگر هم در رژیم دکتیتری بسر برد امریست علیحده ورنه اگر

بناست حکومت مشروطه و اصول کانستیتوشن بر طبق قانون اساسی که افلا خون بهای يك کرور نفوس ذکیه است پیشرفت نماید باید دو حزب در ایران تشکیل یابد و شخص اعلیحضرت نیز رجحان و میلانی به هیچیک از احزاب ظاهر ندارند چه از روی اصول مشروطیت و قانون اساسی پادشاه مقدس و غیر مسئول و محبوب و محل اعتماد جمیع افراد است اگر پادشاه در يك حزب شامل آید مسلم است اعضاء حزب دیگر بنظر محبویت بوی نتوانند نگریست گویا عقیده جماعت يك حزبي اینست که چون در سایه دکتیتری آن قائد توانا ایران مدارج ترقی خود را می پیماید خوب است آن دکتیتری را در تحت يك پروگرامی به اسم حزب در آورند بهر حال ما به این اصول موافقی هم بدین نیستیم ولی رشد ملی را به اصول کانستیتوشن عقب می اندازد در آن صورت حزب گفته نخواهد شد رژیم پهلوی باید ناپیده آید و این اصول قطعا خطر های آتی ایران را که بایستی در سایه رشد مدنی ملی و حکومت مشروطه صیانت گردد از گزند دور نخواهد داشت ولی چون ما از صمیم قلب ملت خواه و پهلوی دوستیم می نویسیم که يك حزبي شدن ایران نه صلاح ملت است و نه صلاح دولت آن اعلیحضرت - ما خدمات اعلیحضرت را در ترقی ایران خیلی قدر و قیمت می دهیم و خواهشمند هستیم که حکومت در خاندان پهلوی باقی ماند بشرطیکه حکومت ملی تقویت یافته با اصول دموکراسی افراد به رشد و بلوغ نائل آیند

علاوه انکار نمیتوان نمود که حکومت های دکتیتری موجوده که مولود جنگ گذشته است یکی بعد دیگری دارند رژیم خود را تبدیل میدهند چنانچه دولت اسپانیول ترك دکتیتری گفته در رژیم دموکراسی آمده و در این تبدلات دچار انقلابات داخلی گردیده است همین قسم است ترکیه جوان که او نیز سعی است از رژیم دکتیتری خارج شده به اصول دموکراسی در آید - تروئسکی هم که از روسیه تبعید شد

و یکی از ارکان معظم حکومت ساویتی بود ضمن بیانی چنین اظهار داشت « بدو آچین مقتضی بود که روسیه تحت حکومت دکتیتری رزیم ساویتی را بیساید ولی چون حکومت دکتیتری عمرش کوتاه است اگر روسیه بخواهد برای همیشه رزیم خود را حفظ نماید محتاج رجوع اصول حکومت دموکراسی است - امروز روسیه قوی و رزیم ساویتی را در این مملکت وسیع ازیش میبرد چنانکه قوت امپراطوران تراری رزیم استبداد را هم از پیش برده بودند ولی همینکه موقع سخت شد آن رزیم و از کون گردید اگر امروز هم رزیم ساویتی به اصول دموکراسی به تمام معنی مراجعه ننماید انقلابی که هر آن ممکن است روسیه را پیش آید دکتیتری ساویتی را از هم متلاشی سازد »

از اینست که عقلا قائل اند که رزیم دکتیتری روس و ایتالی هم تا دیر باز باقی نتواند ماند و زود یا دیر برای بقای خود مجبور اند که به اصول دموکراسی باز گشت نمایند هیچ نمیدانیم بچه نظر آقایان يك حزبی حالا که قائد اول مملکت به تشکیلات حزبی رجحان خود شان را ظاهر داشته باز هم حاضر شده اند که رزیم دکتیتری را بر اصول دموکراسی ترجیح دهند و حال آنکه این اصل مسلم را هم همه تسلیم دارند که ملت مشروطه به دکتیتری دائمی عود نکند و اگر به شرق دست بخواهیم در قبول حکومت دکتیتری مجبور سازیم انقلابات بزرگ را بدست خود فرام کرده ایم موقتی می توان بر ملت جمهوری هم حکومت استبدادی نمود ولی دائم نتواند ماند -

همان قسمی که مسافرت و مخبرات همه روزه سرعت سیر را احراز می نماید تبدلات و تحولات اقوام و ملل نیز صورت سرعت گرفته تبدیلاتی که در اعصار سالانه محتاج بقری بود اینک در عرصه چند سال رونما بلکه تکمیل می گردد تحولات روسیه - ترکیه - ایتالی شاهد این مقال اند ایران از يك طرف برزیم ساویتی متصل و از طرف دیگر دریای هند طوفانی گرفته هفت صد کروور نفوس از

زن و مرد به جنبش آمده می کشند و کشته میشوند تبعید می گردند جنس می روند از هستی بی افتند ولی از مقصود خویش که حکومت ملی و استقلال بنام معنی است باز نمی آیند آیا این انقلابات دوجانب ممکن است اثرات خود را بایران نیندازد

آیا ممکن است ملتی را که ربع قرن با رزیم دموکراسی خو گرفته رجعت قهقری داده يك حزبی را تا دیر باز در وی قائم گذارد؟

خیر خواهان ایران راست تا جائیکه می توانند وطن محبوب خود را از انقلاب دور دارند نه اینکه از دست خود تخم انقلاب بکارند چه امروزه برای ایران هیچ سنی مهلك تر از انقلاب نیست و هیچ دوائی بر اساعه تر از امنیت برای ترقی او تصور نمیشود -

بعقیده ما کسانی که حکومت مشروطه ایران را بدکتیتری باز گردانند به پهلوی و خاندان پهلوی خدمت نکرده اند یا جاهل و غافل از حقیقت اند و یا عالم و اندرویی عمد تخم انقلاب را در ایران میاشند مام تصدیق می نمائیم که ایران در سایه دکتیتری قائد توانای خود بركات بزرگ نائل آمده ولی از این بیعد بقای رزیم دکتیتری در ایران نه صلاح خانواده سلطنت پهلوی است و نه مقتضی بحال ملت ایران و معنی يك حزبی همان اصول حکومت دکتیتری است با يك مرام نامه - الان جمیع ایرانیان الاشد و ندر بدون مرام نامه حزب پهلوی یعنی طرف دار خیالات عالی شاهنشاه خود هستند هیچ محتاج به تشکیلات جدیدی باسم حزب نیست خوب است قدری واضح تر گفته آید رزیم دکتیتری (تشکیلات يك حزبی) تمام انظار را بدکتیتر معظم خود متوجه میسازد و حکومت دموکراسی شخصیت را علیحده گذارده مرکز ثقل مملکت را پارلمان قرار می دهد پارلمان تربیت خانه است که افراد ملت را به رشد عقلانی و بلوغ مدنی می رساند و بالتیجه پشتیبان سلطنت ملی و حافظ شئون

افراد میگردد ولی رژیم دکتیتری همین قدر که کاملاً ریشه
دیوانید طبعا حکومت ملی را از میان میبرد

تشکیلات يك حزبي در ایران عاقبت منجر بر این
خواهد آمد که دوات بتاسیس يك مجلس موسسان دیگر
برای تغییر دادن برخی از مواد قانون اساسی مجبور آید
چه رژیم دکتیتری بموادى در قانون اساسی تصادف خواهد
نمود که پیشرفت امور را خنثی خواهد گذارد

مسلم است که در صورت يك حزبی تشکیل مجلس
موسسان در ملت ایران آسان تر از خوردن آب است
ولی نتیجه این خواهد شد که حکومت ملی و قانون اساسی
زیر و بالا گردد و دسته دسته جماعی را از دور و نزدیک
مخالف حکومت دکتیتری یا مقننه يك حزبی ایجاد نماید و
بمجردیکه دوات بمشکلاتی مقابل گردید نگران بقاوت
بلند نموده مملکت را برسیدن بر منزل سعادت که برای
او مهیا آمده باز دارد

امروز در هر طبقه پندرت کسی دیده می شود که
با پیشرفت های دوات پهلوی مخالف باشد چرا که همه
حساسین و منورین ایران شخص شخیص اعلیحضرت
را مولود مشروعیّت و حامی قانون اساسی شناخته اند ولی
در صورتیکه رژیم حکومت دکتیتری تسلیم شد و عقائد
مردم از پشتیبانی دوات با اصول کانستیتوشن و قانون اساسی
متزلزل گردید طبعا مواد انقلابیه در مملکت نضج می گیرد
و خارجیان هم که چندان از پیشرفت ایران خورسند نیستند
طبعا انقلابیون را سرآ و علناً تقویت خواهند بخشود و
باز ایران دچار هرج و مرج خواهد آمد - اگر این زمزمه
تشکیلات حزبی برای حسن انتخابات و آزادی وکلای مجلس
است هزار درجه وضع کنونی انتخابات و کلایانش کمتر
ست نسبت بحکومت دکتیتری تحت تشکیلات يك
حزبی بر فرضیکه تمام این تصورات در دکتیتری
اعلیحضرت پهلوی محال گفته شود آیا هیچکس هست ؟
ضمانت نماید که اعلیحضرت پهلوی تنها موفق خواهند

آمد بکلیه اصلاحاتی که مدنظر دارند پس باید شمرده قدم
برداشت تا مجدداً دچار آن مشکلاتی که بعد از هر ترقی به
ایران رخ نموده نیائیم و آن قدم منحصر است بر این که
حکومت ملی را تقویت بخشند و ملت را در سایه تعلیم
فریضه به رشد مدنی ناال ساخته پشتیبان دولت قرار دهند
و در صله خدمات عالی قائد توانای خود سلطنت را در خانواده
اش تا دیر باز برقرار دارند امروزه در روی زمین محبوب تر
از پادشاهان انگلیس و زاپون نزد ملت خودشان نیستند چه
آنها با يك نیت صاف و مقدس و با عدم مسئولیت در
رشد و خیر خواهی ملت و تقویت دولت میکوشند و
ممکن نیست این محبوبیت برای هیچ دکتیتری در هیچ ملتی
دیده آید و ما آرزو می کنیم شاهنشاهان حاندان پهلوی همه
محبوب ملت بمانند -

همگلمان محترمی که انگلستان و امریکارا آسمانی تصور
نموده میگویند چونکه ملت آنان به رشد و بلوغ مدنی ناال
آمده دو حزبی بودن شان جائز است ولی ملت ایران قابل
دو حزبی نیست اگر چنین است ما يك قدم از ایشان هم جلو
افتاده میگوئیم این ملت بواسطه عقب افتادگی و از شأمت
حکومت های استبدادی قابل يك حزبی هم نیست پس بهتر
آنست که صرف نظر از تشکیلات حزبی نموده همین قسمی
که دولت کارها را از پیش میبرد ببرد و بجای اینکه ابرویش
را درست کنیم چشمش را کور نسازیم ولی از تذکر يك
نکته به همگلمان محترم ناچاریم که ملت آمریک و انگلیس
که تکیه کلام آن آقایان آمده به بلوغ مدنی نرسیدند جز
در سایه مشروطیت کامله با تشکیلات دو حزبی و اگر آنها
نیز مانند ما تحت فشار حکومت های مستبد زنده کی میکردند
از ما بهتران نمی شدند پس بیائید بخون بهای شهدای راه
حریت دست بمشروطه ایران و قانون اساسی آن زنده اگر
ایران را قابل دو حزب نمی شناسید صرف نظر از يك حزبی
شدن مشروطه ایران هم بفرمائید که سروده اند

« مرا بخیر تو امید نیست شر مرسان »

قوانین تفتیش و متمم اسعار

منافع و مضار عام و خاص

در جراید طهران در موضوع قانون متمم اسعار بیانات ضد و نقیض خیلی دیده میشود علت هم آن است که منافع خاص و عام از یکدیگر تجزیه نشده مسلماً هر قانونی که وضع شود لابد منه است که برای جمعی نافع باشد و برای بعضی هم مضر قانون جلوگیری از دزدی برای عموم نافع است ولی برای خواص یعنی دزدان مضر است پس در وضع هر قانون باید جنبه نفع و ضرر عمومی (نه خصوصی) ملاحظه شود شک نیست که قوانین تفتیش و متمم اسعار برای برخی از تجاری زبان نیست ولی بطریق عموم و برای مملکت قطعاً نافع است غرض از وضع این قوانین چند نکته است اول تعادل و توازن صادر و وارد که از چندی به اینطرف استاتستیک کمرب را بفاظ تاویل نموده صفحات جراید را اشغال نموده بود -

دوم تهیه طلای کافی برای ضمانت اعتبار اسکناس کاغذ و ریال های نقره که عنقریب اشاعه خواهد شد تا برای همیشه ایران را از خطر تنزل سکه که زیانش به مملکت و بکلیه افراد وارد میکردید مرتفع دارد -

سوم در مقابل اسعار خارجه که بانک باید برات بفروشد از کجا باید تهیه وجه کند مسلماً وقتی که تجارت آزاد باشد در صادرات ایران در مقابل یا اجناسی وارد خواهند کرد که چندان محتاج الیه مردم نیست و یا در همان خارجه باقی خواهند گذارد ولی از روی قانون متمم اسعار مجبور اند هر چه صادر میکنند در مقابل آن یا جنس وارد کنند و یا برات فروخته وجه مروج مملکت را حاصل نمایند بزرگترین فایده که برای تجار از این عمل متصور است آنکه مال التجاره که از خارج وارد میکنند چون به اجازه کمیسیون تسعیر است بیش از لزوم وارد نمیشود و تجار از زیان محفوظ میمانند و همیشه مال التجاره آنها از رقابت های کور کورانه همکاران بی علم محفوظ و بشری و بدون نقصان فروش میرود و علت ترقی امتعه خارجه در ایران همین نکته است و بس - ظاهر است در هر تغییر و تبدیلی مردمان بی اطلاع و وحشت می نمایند ولی هینکه آشنا به آن وضع گردیدند آب و وحشت و اضطراب شان از بین میرود

چهارم که از همه مهمتر است اینکه قوانین تفتیش و متمم اسعار به تدریج تجارت از دست رفته را مجدداً بقبضه ایرانیان درمی آورد و اگر این قوانین چنانچه تصور میشود به انجام این امر موفق آیند در آینده نزدیک نه تنها مملکت ایران از این فقر کثونی نجات می یابد بلکه متجاوز از صدی هفتاد و پنج هم تجارت ایران بدست تجار داخلی و خارجی ایران قرار میگیرد چه خارجیان در هر مملکت که تجارت نمایند برای جاب ثروت از آن مملکت به

مملکت خودشان است تا بذریعه اسعار اندوخته های خود را بوطن خویش بفرستد قانون متمم اسعار اگر درست نظارت شود جاب ثروت از داخله ایران برای خارجیان غیر میسور خواهد شد و این عمل طبعا تجارت را بین تجار داخله و خارجه ایرانی که ابا و امتناع ندارند که ثروت های اندوخته شان از منافع تجاری در داخله ایران باقی ماند و به اندازه این نکته برای رقابت عموم و دفع فقر از مملکت نافع است که مافوقی برای آن متصور نیست اما اینکه تصور میرود که این قانون جلوگیری و سدی در مقابل صادرات ایران است آن هم ولو بظاهر چنین معلوم شود در باطن چنین نیست چه جلوگیری از فروش اسعار به خارجه جداً تجار منفعت جو را ولو به نقصان هم باشد مجبور به خریداری اجناس داخله نموده تا بتوانند در مقابل اجناس خارجه وارد کرده به نفع زیاد تری بفروشند چنانچه الان هم بسیاری از تجار چنین میکنند مال التجاره که از داخله میخرند تخمیناً صدی پنج و ده در فروش به خارجه نقصان می نمایند ولی در مقابل مال التجاره که از خارج به ایران وارد میکنند صدی نیست و بیست و پنج فایده میبرند نتیجه آن میشود که در یک خرید و فروش صدی بیست فایده برده اند و بتدریج همین اصول نه تنها صادرات ایران را زیاد خواهد نمود بلکه بازارهای جدیدی برای امتعه ایران فراهم خواهد ساخت خصوصاً باجدیقی که وزارت اقتصاد ملی در اصلاح مال التجاره ایران و اضافه و توسعه آن دارد امیدواری میرود که در چند سال صادرات ایران چند بالا شده و بازار های امتعه ما هم دو چند گردد البته قابل انکار نیست که بطریق عموم کرانی مال التجاره خارجه موردت زبان فقر است ولی از طرف دیگر کرانی امتعه خارجه تازیانه غیرت برای ایرانیان میگردد که امتعه خودشان را در مقابل امتعه خارجه ولو پست تر هم باشد استعمال نموده و در صدد رفع احتیاج خود از دیگران بر آیند چیزی که جای شبهه نیست آن که به عایدات کمرکی دولت در صدی بیست و پنج ممکن است نکت وارد آرد ولی در معنی این نکت عایدات کمرکی دولت به کیسه مات ریخته نه این که از ایران خارج شده است بطریق غیر مستقیم کمرک را افراد ملت می دهند یعنی کسانی که باستعمال آن امتعه عادی اند کمرک را تادیه کرده اند اما تصوراتی که برخی جرائد از این نکت عایدات دولت از کمرک میبایند چندان صحیح نیست چه دولت با خالی این نکت را از عمر های دیگر پر تواند نمود از همه گذشته قانون تفتیش اسعار و متمم آن موفقی است و همین که چرخ های اقتصادی ایران از روی شلم و عمل براه اقتصاد نیات وزارت اقتصاد صورت عمل بخود گرفته و از روی طبیعت و استاتستیک کمرکی هم توازن در صادر و وارد پدید می آید و طبعا هم این قوانین لغو نگردد از اینرو در مقابل این نفع کثیر تحمیل این ضرر قلیل سیاست و اقتصاد پسندیده است -

سیاست آینده وسط آسیا

افغانستان تور نوح تواند شد؟

متجاوز از يك قرن است که برای در آغوش کشیدن عروس شرق روس و انکایس رقیب یکدیگر واقع شده هر چه آن می‌بندد دیگری می‌کشاید و قتیکه روسیه تزاری با سر نیزه بتوسعه امپراطوری خود میکوشید رقیب او انگلستان با پنجه آهنین ولی در دستکش مخملین به اسم ترویج دموکراسی شرقیان را فریفته خود ساخته در سایه همان نفوذ کلمه امپراطوری انکایس را در شرق توسعه می‌بخشود فراموش نباید کرد بیانات شخص اول سیاسی این قرن انگلستان لاردر کرزن متوفی را که در انگلستان اول مستشرق این قرن گفته می‌شود که می‌گوید «مستوجب امپراطوری انگلستان در شرق این است که در بخارا که مرکز حقیقی آسیا است پادشاه انگلستان تاجپوشی نماید» این سخنان ظاهراً بشوخی تلقی میشد ولی در پیش رجال سیاسی يك جاده مستقیم است بطرف مقصود - راست است اوضاع تغییر کرده و این تغییر اوضاع قدری مثنی سیاسون را بطی ساخته ولی این نقشه ها که از دماغهای عالی تراوش نموده فراموش شدنی نیست بعد از جنگ روسیه رژیم امپراطوری تزاری را تغییر و مثنی سیاسی خود را تبدیل داده خود را محب شرق جلوه میدهد و ضد حکومت سرمایه داری که در رأس آنها انگلستان را معرفی می‌نماید بتوسعه همان خیالات اولیه میکوشد همان رقابتی که بین روس و انکایس از صد سال به این طرف پیشرفت داشته اینک نیز دارد پیشرفت می‌نماید نهایت اینکه طریق مثنی تغییر یافته

روسیه ساوینی میکوشد که هر وسیله باشد انگلستان را از شرق بدر کرده بلا مانع و رقیب مالک شرق گردد انگلستان هم ساعی است که رژیم ساوینی را مغل هر دیانت و آسایش هر قوم جلوه داده بمالک وسیه روسیه را تجزیه آنچه را خود بتواند قبضه و آنچه تواند به اسم استقلالش حایت نماید روسیه از طرف غرب کاملاً محصور آمده از دخول به اروپا آسوده اند ولی تا کنون راه شرفش باز است و بهترین نقطه که میتواند بکله یکدیگر بکوبند همانا افغانستان است ایران و ترک پس از جنگ عالم سوز توانستند که خویشتر را از رقابت این دو حریف بزرگ بیرون آرند از ابرو تمام ابواب مناقشات و تشاجرات این دو رقیب در افغانستان باید تصفیه یابد - انگلیسان برای محافظه هندوستان افغانستان را حصن حصین می‌خواهند و از این رو حاضر نیستند که نفوذ رقیب خود را در افغانستان بی مانع ملاحظه کنند بزرگان گفته اند «سیاست فهمیدن است نه گفتنی و خواندنی»، اگر شاه امان بتوسط ترکان تا آن درجه بروسیه نزدیک نمی‌آمد تاج و تختش با آن سرعت سرنگون نمیکردید -

در مبادله معاوضاتی که به مرحوم امیر عبد الرحمن خان داده يك حصه اراضی و طوایف سرحدی را بین هند و افغان آزاد و بی طرف قرار داده بودند نه حکومت افغان اختیار داشت در نقاط بی طرف سرحدی دخالت ننماید و نه انکایسان ولی به تدریج حکومت هند تا درجه طوایف سرحدی را تحت حکومت خود آورده و در نقاط مهمه به استحکامات جنگی پرداخته مانند دره خیر و غیره ولی آن اقدامات می‌توانست مورد اعتراض سیاسی حکومت افغان واقع گردد

اینک میگویند که در معاوضه همراهی های اخلاقی و سری که اعلیحضرت محمد نادر شاه از انکایسان حاصل و محکمداری افغانستان بر قرار آمدند بر حسب معاهده که جدیداً بین انگلستان و افغانستان امضا یافته دولت افغان در نقاط بی طرف سرحدی از حق خود صرف نظر نموده از اینرو انکایسان هم حاضر شده اند که هر قیمت باشد نقاط بی طرف را کاملاً قبضه و استحکامات جنگی در مراکز مقتضیه بسازند انقلابات اخیر هند و جنبش طایفه افریدی بیش از پیش انکایسان را به این اقدام وا دار نموده است انگلستان حاضر شده است که هر قیمت باشد بسط اقتدار و استحکامات سرحدی هند را از خاک افریدی تا منتهای وزیرستان تمتد سازد وزیرستان منتهی میشود به طایفه شنواری که در انقلاب اخیر افغان خیل دخیل بودند و این اقدام بیشتر برای آن است که اگر حکومت ساوینی در داخله افغانستان به بسط اقتدار خود موفق گردد هم هند از حملات روسیه و افغان بواسطه استحکامات سرحدی مصون باشد و اگر ضرورت هم شود بتواند سرعت و آسانی در داخله افغانستان با حریف پنجه نرم نماید جراید انکایسی مینویسند که هر قیمت باشد برای خامه دادن به اغتشاشات طوایف سرحدی دولت انکایس باید در خاک افریدی تا آخرین نقطه وزیرستان که اول خاک شنواری است اختیارات خود را بسط داده راه بسازد و استحکامات جنگی بنا نماید و تخمین نموده اند که مصارف این لشکر کشی و سه این استحکامات يك کروړ هند یا ده ملیون رویه بالغ خواهد آمد ولی فعلاً خزانه هند تحمل این بار کران مصارف را ندارد بعضی چنین تصور میکنند که این اقدام تا انجام امر متجاوز از پنجاه ملیون رویه مصارف خواهد داشت و معلوم میشود که موانع دیگر را حکومت هند با دولت افغانستان حل نموده است ورنه چه تا این موضوع بین المللی حل نه شود تصور به چنین اقدامی از طرف حکومت هند غیر معقول میباشد ولی ممکن است اینها هم ظنات اخبار نگاری باشد چه پادشاه کنونی افغان اعلیحضرت محمد نادر شاه نه تنها اول شخص افغانی است که از حقوق حق افغان با خبر است بلکه مقتضیات عصر و سیاست افغانستان را از همه کس بهتر میداند و بر فرضی هم از چنین حق مشروعی از نواحی بیطرف سرحدی صرف نظر نموده لابد از طرف دیگر برای افغانستان منافعی مد نظر گرفته است -

اوضاع هند

اگرچه حسن انتظام پلیس و فشار قانون های جدید تا اندازه موفقی آمده است که ظاهراً وضعیت انقلابات را بسک تر سازد ولی نکته سنجان تاریخی اوضاع را همه روزه پیش تصور نموده باطناً انقلابات هند را سنگین تر می بینند کمتر روزیست که از جانب حکومت مرکزی یا حکام ایالات يك گونه اردینس (قانون موقتی تعزیری) برای جلوگیری از انقلابیون اشاعه نیابد بدزیمه قوانین تعزیری نیشنل کانگرس (انجمن ملی هند) و تمام شعبات و انجمن ها و ادارات عامله آن غیرقانونی اعلان گردیده از روی احصائیه که یکی از مطمئن اظهار میداشت تاکنون پانصد و هفتاد و شش شبان نیشنل کانگرس و انجمنها و ادارات عامله آن در هندوستان مسدود گردید است اعضای رسمی انجمن ملی هند که نام شان در دفاتر انجمن ثبت و به مالیه انجمن اقسالی چهار ساله (پانزده شاهی) کمک می نمایند متجاوز از سه میلیون است - معلوم است يك چنین موسسه با عظمت که متجاوز از چهل سال است در اعماق قلوب ریشه دوانیده و هندوها تمام سعادت های ملی خود را در سایه کشش و کوشش او تصور کرده اند يك مرتبه خلاف قانون قرار دادن خیلی مهم است و بزودی نمیتوان اثرات چنین موسسه را از قلوب خارج ساخت -

فعلاً باید گفت رسماً جنک بین کانگرسیان و حکومت هند است و هر قدر حکومت بیشتر فشار بکانگرسیان می آورد نفوذ سری کانگرس زیادتر می گردد

بموجب قانون تعزیری جدید تمام مالیه کانگرس را از نقد و غیره حکومت هند هر جا که بوده قبضه نموده است و بجرم اینکه جمع این سرمایه ها چون برخلاف قانون ملکت صرف میشود ناجایز قرار داده اند از همه شدید تر اردینس جدیدی اعلام شده که بر طبق آن کایه اموال منقول و غیر منقول اعضاها کانگرس را حکومت میتواند ضبط کند با این همه دیده میشود که از سورت کانگرسیان کاسته و یا از کارروائی دست کشیده باشند روزی نیست که در هند یکی یا بیشتر از انگلیسان خاصه افسران پلیس هدف بمب یا کلوله جراتان انقلابی کانگرس واقع نیاید و حکومت هم بشدت سزای مخالفین می افزاید تا جائیکه برخی از زنان برای جرم های کوچک از ۶ ماه تا دو سال محکوم به قید سخت می شوند ولی از حرکات خود باز نمی آیند اگرچه حکومت موفقی آمده است که جماعت دیگری را هم کانگرس را توبه داده از محبس رها و يك جماعت دیگری را هم تشکیل تا الزام جمیع خرابیهایی موجوده را بقائیدن کانگرس بدهند ولی این جماعت در جنب طرفداران کانگرس قابل قیاس نیست فقط چیزیکه پنجه حکومت را در این انقلاب قوی ساخته عدم شرکت عمومی مسلمانان بهیات کانگرسیان است مسلماً اگر مسلمانان شامل کانگرس بودند بر حکومت هند کار خیلی دشوار تر میگردد سبب علیحدگی مسلمانان را هم چنانچه مکرر نکتته ایم قائدين تلك حوصله کانگرس بوده اند که بهوجرجه دست از دم اکثریت برنداشته در يك همچون مقصد عالی بحیالات پست پیچیده اند جمال الدین کیر درفته اعرای پاشا و نهضت مصریان در یکی از نطفه های خود میگوید «اکثریت ولو به اقلیت خود را تسلیم کند نه اینکه از اکثریت نمی افتد بلکه اقلیت را هم شامل به اکثریت خویش می سازد» از این

است که در نهضت مصریون با نشت آراء و تمدد قیوام اسمی اکثریت و اقلیت در بین نیست ولی وقتیکه در مجامع سیاسی هند انسان وارد شود جز بحث در حقوق اکثریت و اقلیت چیزی به کوشش نمیرسد و در شامت همین دو لفظ مقصود اصلی و اساسی که حکومت ملی است از میان رفته و تا وقتیکه این دو لفظ ورد زبان قائدين هندو و مسلمان باشد از میان خواهد رفت -

لاردارون که ایام فرمانفرمائی شان در هندوستان خانه یافته غریب روانه انگلستان میکردند این مرد بزرگ خیلی کوشش نمود که در این آخر فرمانفرمائی خود هندوستان را آرام نموده وداع گوید ولی چه توان کرد که مقتضیات طبیعت بمزام ایشان نکردید فرمانفرمائیکه خوش نیت ترین نایب الساطنه های هند بود و در مدت فرمانفرمایش بیشتر طبقات از او خوشوقت بودند در آخرین موقع حرکتش بایستی چنان اتفاقاتی پیش آید که اهالی هند بدرقه خوشی از ایشان نمایند - لاردارون خیلی سعی نمود که بلکه بتواند که قائدين هندوستان و ارکان وزارت هند را متقاعد ساخته يك حکومت مرضی الطرفینی برای آینده هند برقرار دارد ولی آنها سخت بودند و اینها سخت تر -

کافر نس مختلطه دهم نومبر (ماه آینده) در لندن افتتاح خواهد یافت ولی چون احدی از کانگرسیان در آن شمولیت نموده کلان نمرد تصفیه آن هیچگونه پیشرفت به امنیت آینده هند به بخشاید بتازکی کانگرسیان می خواهند محکمه جنائی و حقوقی ده حکیمت در مقابل محاکم حکومتی برقرار دارند و سعی کنند که مردم هند بموضع محاکمات انگلیسی در این محاکم کانگرس اختلافات خود را مرتفع دارند و این امر حقیقت برای منشج ساختن عدلیه های هند است اگر چه حکومت بیدار هند از این اقدام هم مانند اقدامات سابقه آنان جاوگیری خواهند آورد ولی باز هم بی اثر نخواهد ماند و اسباب پریشانی حکومت خواهد گردید قائدين کانگرس و روسای نهضت هند میگویند که ما میدانیم عملیات سلی ما در مقابل اقدامات غنی حکومت پیشرفت کامل نتواند نمود ولی حکومت را پریشان میکند و همین پریشانیهای حکومت عاقبت موجب کامیابی هند تواند گردید

انقلابات کنونی علاوه بر پریشانی اوضاع سیاست اثرات عمیق به اقتصادیات هند هم بخشیده است چنانچه جراید انگلیسی مینویسند همین ایام اخیر پانصد میلیون رویه کمی در واردات هند پدید آمده و دولت این واردات از انگلستان بوده است مسلم است که این کمی تنها در بندر بمبئی واقع شده و اگر تمام هندوستان حساب شود سر بکجا خواهد زد معلوم نیست و همین غل انگلستان را مشوش داشته چه بر عده بیکاران می افزاید و خطر بزرگ انگلستان در فرونی عده بیکاران تصور میشود و بعید نیست وقتیکه روئداد کامل کافرنس مختلطه به بارمان پیش شود و وضعیت حکومت آینده هندوستان موضوع بحث آید کابینه کارگر منشج آمده حزب کنسر وینو (محافظه کار) بروی کار آید ولی مبصرین بخوبی پی برده اند که هر حکومتی

که بار آنها را بدوش بکشد تن بزرگوار در داده و بار خویش را خود می‌کشد و اگر قلب آنان شکافته آید دیده خواهد شد که بزرگترین آرزوی آنها پیدا کردن مردیست که تکفل امور آنان را دمه‌وار گردد و هر کس غیر از این تصور کند قطعاً از حقیقت دوز است پس در اینصورت گفتگوی زنان ایران چه و خواهش‌شان کدام است ؟ بعقیده ما دعوی زنان با نام آزادی و تساوی حقوق بنام معنی ناریل غلط است چیز هائی را میخواهند که هیچ مربوط به استقلال و تساوی حقوق نیست -

وقتی که در جزایر ایران در این موضوع تعمق شود دیده خواهد شد که زنان یا مردان طرف دار حقوق زنان تنها مواد ذیل را خواستگار اند

(۱) بیرون آمدن از پرده موجوده

(۲) شمولیت با مردان در مجامع و سوسیسی ها (انجمن ها)

(۳) شرکت با مردان در موضوع طلاق (مفارقت)

(۴) جلوگیری از تعدد زوجات

(۵) منع ازدواج در صغر سن

(۶) حق انتخاب شوهر

هر قدر ما فکر می‌کنیم مراتب ششگانه هیچیک يك مربوط به آزادی و تساوی حقوق یعنی دمه‌واری زنان در تکفل امور خود نیست بلکه غرض‌شان توسعه حقوق و راحت خویش بلکه سنگین ساختن بارکران خود را می‌پیش مردمان است - اینکه بحث از وزیر شدن و وکیل شدن زن و اشغال کرسی‌های ادارات در جراند ذکر میشود شوخی و جز لاف‌های حقیقت دیگری بنهم نمی‌آید ورنه اگر چنین بود و زنان آرزوی استقلال و تساوی با مردان را بحق طالب بودند بایستی نیمه تمام مشاغل دولتی و ملتی امریکا و اروپا یا اقلاً ساویت‌ها تاکنون با اختیار و قبضه زنان بیرون آمده بود و حالانکه زنانیکه کرسی‌های ادارات ملتی و دولتی را اشغال کرده باشند در جمیع دنیا انگشت نمایند تصور نشود که مردان جلوگیری و مانع از رسیدن زنان به آن مراتب اند بلکه از روی حقیقت زنان مائل به آن زحمت شاقه و محنت‌های تن‌فرسا نیستند فقط همان حقوفی را می‌جویند که پیش از پیش در راحت و آرامش آنان فروزی بخشد و اگر امروزه مردان آمریکا و اروپا جبراً بخواهند زنان را بمهده‌های بزرگ و مشاغل عالیه برگارند پیش از امروزه زنان ایران جزع و فرغ آنها و صدای و اظلمای‌شان کوش عالم را که خواهد نمود آن وقتست که با هزار و یک دلیل ثابت کنند که طبیعت ما را ضعیف ساخته و جنس لطیف متحمل مشقت‌های غنیف و مستعد تقابل و تساوی با مردان خشن و قوی نمی‌باشد حالا که چنین است باید دید برای خواهرشات ششگانه زنان ایران کدام مانع شرعی - عقلی یا عرفی موجود است

(۱) بیرون آمدن از پرده موجوده - دوا این موضوع بحث زیاد شده ما فقط بکلیات اشاره نموده و صورت علی آن را موضوع خود قرار میدهم قبل از هر چیز تصور می‌کنیم ایران دارای ۸ میلیون زن باشد

بروی کار آید از امنیت فوری هندوستان عاجز خواهد ماند چه طبقه سیاسی تندرو هند چیز هائیکه برای آینده هندوستان منما مینماید نه چیزی است که هیچ حکومتی در انگلستان بتواند قبول کند و امروزه طبقه تندرو در هندوستان نسبت به اعتدالیون قوی تر اند بهین مناسبات است که در حبل‌المتین نکاشتم که اقلاً این دوره انقلابی هند يك ربع قرن دوام خواهد نمود تا طرفین خسته و کوفته شده تن به يك صلح موقتی در دهند -

ظاهر است که این فشارهای اقتصادی به احالی هند هم خیلی سرائت خواهد نمود چه هر قدر مال از خارج بهند می‌آمدیش از آن از هند بحارج میرفت این توقف تجارت سکنه عظیمی به بازارهای هند وارد آورده تجارت و فلاح و صنعت هندوستان را در حال وقفه نگاه داشته و روز بروز هم بدتر خواهد شد خصوصاً وقتی که دیده میشود که حکومت از يك طرف برای جلوگیری از انقلاب مجبور بفزونی مصارف دفاعیه از بیس و غیره است و از طرف دیگر عایدات حکومتی چه از کمرک و چه از مالیات‌های مختلفه طبعاً نکث می‌یابد و برای پر نمودن جا خالی خزانه محتاج به استقراضهای بزرگ خواهد آمد نهضت سرحدیان و مصارفیکه حکومت تا کنون متحمل شده سر بار بزرگی بخیزند هند است خصوصاً حالا که گفتگو است دامنه اختیارات خود را در خاک تیراه آفریدی و وزیرستان هم توسعه بخشند -

زنان آزادی و مساوات چو نیستند

آزادی و استقلال دو لفظ مترادف اند - آن همه قال و قیل جراند ایران در موضوع آزادی و تساوی جوئی زنان با مردان در ایران مبنی بر چیست ؟ محتاج به مختصر تشریح است -

آزاد و مستقل شخصی را گویند که بروی پای خود ایستد یعنی دمه‌وار تمام امور زندگانی خویش باشد همین قسمی که امروزه مردان آزاد هستند آيا زنان چنین استقلالی را می‌جویند که بار دمه‌واری خود را از مردان برداشته بدوش خویش گذارند ؟ و یا با مردان قدم تساوی برداشته در رنج و محنت آنان شرکت نمایند ؟ بعقیده ما خبر ! چه این امر منافی است با عیش و راحت و آرامی که امروزه برای جنس زنان عالم میسر است این عیش و راحت موجوده در سایه عدم استقلال و تساوی یا بمعنی دیگر عدم دمه‌واری مرآتان را میسر آمده است دمه‌واری باریست بیمار سنگین و زنان هیچوقت راضی نیستند که این بار را بدوش خود برداشته راحت و آسایش دائمی خویش را مختل سازند و از اینست که تا امروز با آنچه آزادی که برای زنان آمریکا و اروپا ذکر می‌شود ولو برای تجربه هم باشد زنان حاضر نشده اند که دمه‌واری خود را گرفته بار خویش را از دوش مردان بردارند و اگر در صدی پنج یا کمتر زمانی در اروپا پیدا شوند که بکدامین زحمت کشیده زندگانی خود را اداره می‌کنند آن هم بواسطه پیش آمد هائیکه از روی لاعلاجی و ناچاری یعنی پیدا شدن مردان نیست

افلا سه ریح آن زنان ایلات و دهات اند که با يك دنیا عفت و عصت هیچگونه دارای پرده نیستند يك مشت زنان شهر نشین باقی میمانند آنها هم بچند طبقه منقسم اند يك طبقه پیره زنان که شرعاً و عقلاً محتاج هیچگونه پرده نمی باشند طبقه دیگر کلفت و خدمتگاران اند ولو اجاراً باشد در جا و بیجا از پرده خارج اند طبقه سوم زنان بزرگان اند از شاه و وزیر تا برسد بامراء و خوانین و غیره نه امروز نه هیجوقت پرده محکم نداشته و حالا هم ندارند طبقه چهارم زنان و دختران جوانند که برای خود نمائی همه گونه بی پردگی را در این پرده موجوده بمنصه شهود میرسانند میماند طبقه پنجم که چند صد هزار نفری یش نیستند که عبارت از زنان عمر رسیده قدامت پسند باشند گویا همه جنجالها سر همت طبقه است ورنه چنانچه کفتم سائر طبقات نه پرده دارند و نه محتاج باین قیل و قال ها هستند حالا ما می خواهیم همه را يك رنگ ساخته پرده رسمی کنونی را مرتفع داریم راهش کدام است ؟

برخی میگویند که هنوز به ثبوت نه پیوسته که پرده بصورت کنونی از احکام اسلام است یا از مختراعات و عادات مال سائره آنچه تاریخ نشان داده اساساً اختراع پرده در خاندان سلطنتی ایران و مصر و چین از راه تکبیر امتیاز خاص ایجاد گردیده چنانچه فراغه مصر و خاقان های چین علاوه بر این که زنان خود را از انظار پنهان نموده خویشان را هم آسانی جلوه داده بندرت نمودار میشدند و همین اصول در دربار شاهنشاهان ایران نیز جاری داشت - پرده در قدیم وقتی که اسرای عجم را بحضور خلیفه دوم پیش کردند در میان زنان مکشوف الوجوه تنها دو دختران یزدجرد وجوه خود را مستور داشته بودند خلیفه عات را پرسید جواب دادند که اینها شاهزادگان و دختران یزدجرداند و بعد از آنکه سلاطین عجم خویشان را در پرده نگاه داشته اند -

از طرف دیگر واقعات تاریخی می نمایاند تا وقتی که دربار خانای عباسی رنگ ایرانی بخود نگرفته بود پرده موجوده در اسلام وجود خارجی نداشت و چنین و کفین زن چنانچه در طواف و نماز عورت شناخته نشده سترش را لازم قرار نه داده اند و در بدو اسلام هم اثری از اینگونه ستر در اخبار دیده نمیشود بلکه در واقعه مباهله پینمبر صلوٰه الله علیه در حضور عامه مسلمان و کفار فاطمه سلام الله علیها را چنانچه راوی میگوید چهره مبارکش مانند خورشید تابان بدرخشید در جلو و علی علیه السلام را پشت سر و دست حسین علیهما السلام را بدو دست مبارک گرفته بیرون خرامیدند و اگر موضوع پرده در میان بود آیه شریفه « و نسا نسا و نسا نکم » باین صورت روفا می گردید -

و نیز حدیث جابر که میگوید دیدم چهره فاطمه سلام الله علیها را که مانند شکم مانع از کرسنگی زرد شده و اخبار زیاد دیگر دال است بر این که پرده کنونی از عادات و رسوم اقوام دیگر است که در مسلمانان رخنه نموده از این ها هم که صرف نظر شود

رسوم يك قوم و ملت که آن هم از روی احکام دباتی باشد نه چیز نیست که مرور دهور از بین برود و حال آن که می بینیم در ستر زمین غرب که محبط وحی و مرکز تنزیل آیات الهی بوده اثری از پرده مروجه وجود ندارد -

اما آیه حجاب متفق الیه علما است که اوامرش بیشتر مشترک بین مرد و زن و نهی از حرکات شهوت انگیز است مانند نظر بازی و کوفتن پا به قسمی که صدای خلخال زنان بگوش مردان رسد و مختلف فیه علامت است که ستر و چنین و کفین زنان از این آیه شریفه با نص « الا ما ظهر منها » بیرون می آید یا خیر !

بعقیده ما اگر آخرین مد فرانسه که از جمیع حرکات و سکنات زنان شهوت انگیز تر و امروزه در پردکیان ایران يك از رسوم مروجه شده متروک آید و لباس مشروع مستوری را زنان اختیار کنند و با آنان را مجبور به اختیار نمایند ولو چنین و کفین شان باز باشد زبان عفتی آن خیلی کتر از آخرین مد فرانسه با این پرده بنام خواهد بود و چنانچه یکی از دوستان بیان نمود هیئت از مقلدین هندوستان حضرت حجة الاسلام آقا حاجی شیخ محمد (ابن الشیخ) شیخ زین العابدین مازندرانی طاب ثراه که در بلده طیه قم سکونت گرفته و ثانی حضرت آیه الله آقا شیخ عبدالکریم یزدی مدظله واقع و از مجتهدین مسام و جامع معقول و منقول و عارف معلوم غریبه و دانا بحکمت قدیم و جدید اند در خصوص پرده کنونی مروجه هندوستان استفتا نموده جواب مشروحی از ایشان بدست آورده که با دله و براهین مقننه فرموده اند که پرده موجوده نمیتواند در احکام مقدسه دین اسلام شامل باشد و ما سعی خواهیم نمود که آن استفتا و جواب را بدست آورده برای مزید اطلاع خوانندگان انتشار دهیم -

اینجا لازم است قدری بحاشیه رفته بگوئیم که پرده کنونی برخی از طبقات هندوستان باندازه فضاحت بار است که نمیتوان با پرده کنونی ایران هم قیاس نمود مثلاً حمال های مخصوص (پالکی) که شبیه محفه است بدو در داخل خانه آورده خارج میشوند پس خانم در آن پالکی نشسته دروازه های او را بسته خدمتکاران بروی آن پالکی لحاف کلفت بزرگی انداخته که تمام پالکی را می پوشاند و بروی آن غلاف مخصوصی بر حسب شئون آن خانواده زربفت یا ساده کشیده از آن پس چهار نفر حمال آمده پالکی را بدوش کشیده بجائی که ناید ببرند می برند عجب اینست که مشق و عادت خانان قوه باین زنان بخشوده که در این محفه که بیش از قبری وسعت ندارد خفه میشوند پرده داران هند و چنین و کفین که سهل است شنیدن صدای زن و دیدن لباس بالائی زنان (جادر) را هم ناجائز و غیر مشروع قرار داده اند لطف اینجاست که طول سلطنت هفتصد ساله مسلمانان در هند بسیاری از زنان خانواده های عالی هنود را هم به عادت پرده چنان مشغول داشته و تا کنون هم با تعالیم موجوده و توسعه صدر و تنویر افکار باز هم دیده می شوند -

نرسد - در داخله جنبالی رخ ندهد - برای عیش و نوش فراغت بال باشد دو تایی اول مقدمه و سیمی نتیجه

در این صورت مجبور بودند خارجه هتا را بهر طور ممکن بود اگرچه برای مملکت زیان داشت راضی نگاهدارند داخله را بترویج ملاکین و روحانی مابین طماع آرام نگاهدارند بی آنکه برای بالا بردن ملت و ترقی دادن مملکت قدمی برداشته باشند بدیهی است در این صورت پی در پی از اعتبارات مملکت کاسته میشود چنانکه شد و بشون عظمت ملی از میان رفت خلقی در زیر فشار تعدیات درباریان و حکام و مامورین لشکری و کشوری و روحانی نمایان شریک آن ها بی پاشیدن مالیه مملکت به صفر رسید وزارت جنگ منحل شد و مملکت بی زور و زر ماند و نزدیک بود در میان اجانب تسایم گردد ولی وزیدن رایحه جان بخش حکومت ملی و مختصر هیجان ملت روح حیات تازه در پیکر تحیف آن دید

ولی افسوس که بواسطه بی سوادى ملت و آشنا نبودن او باین سبک از حکومت طولی نکشید که حس جوان نمجد خواه مملکت در سایه بی تجربگی پیش روانه بخاطر غائب یعنی در افکار طمع کارانه سران و سروران قوم مستحیل کشته احساسات حقیقی وطنخواهی با منز های حامل آن زیر خالک رفت و مدعیان دروغی بجای آنها عرض اندام کرده استبدادی که پیش از مشروطه در یکی دو مغز بود در چند صد مغز توزیع شده مملکت پروژ بدتر از روزگار استبداد افتاد تیر مراد وطن خواهی حقیقی بسنک آمده از ایرانیت و شرافت آن باقی نماند مگر امیدى در دل های امیدوار آن هم از روی خوش بینی بدیهی است دولت بی زور و زری که مامبه ییکانه و ییکانه پرستان واقع گردد چه قدرت و چه اعتبار دارد که بتواند سیاست داخلی و خارجی را به نفع ملک و ملت حفظ کرده اساس حکومت ملی را هم محافظت نماید خصوصاً که آن اساس بواسطه دخالت های نامشروع آت دست اشخاص شده طوری در انظار ملت بیوقع آید که کعبه آمال تفر کاه عمومی واقع بگردد -

این است که روزگار مزبور تعبیر شده است به ایران سابق و گفته شده است يك قدم داشت تا دره هلاکت در این وقت مشیت الهی باز تعلق گرفت که این مملکت از خطر هلاکت دور گردد اوضاع زمان هم مساعدت کرد و درمیان بازو های لرزان ناتوان بازوی توانائی پدید آمد و ایران دازای سلطنت مقتدر و دولت با دوام شد و اوضاع رو به بهبود نهاد ولی در عین حال ضعف حکومت ملی بقوت تبدیل نگشت بلکه بر ناتوانی باطنی او افزوده شد و شاید در آن وقت با پیش آمد ها غیر از این هم ممکن نبود ولی اکنون که بخود سری های گذشته خانه داده شده و مخاطرات متصوره رفع گشته است اگر حکومت ملی به معنای خودش تجدید حیات کرده پشتیبان حکومت حاضر بگردد البته بر اعتبارات مملکت افزوده میشود و این است آن يك قدم که ایران دارد تا سر منزل سعادت -

از اینها گذشته چنانچه مکرر نگارش یافته عاقل هیچگاه پیرامون امر محال نمیگردد و با وضعیت کنونی دنیا و اوضاع مسایگان محال عقل و متمنع است که این پرده مسخره آمیز کنونی تا دیر باز در ایران قائم ماند و هر گاه عقلای قوم ولو در طریق علاج افسد بفسادم باشد پرده کنونی را مرتفع و يك لباس مستور مشروع برای عموم زنان ایران که بصرفه اقتصاد هم نزدیک باشد حتمی سازند و شرعاً و عقلاً و اقتصاداً آخرین مدهای فرانسه را که بین زنان ایران دارد کسب عمومیت می نماید حرام و ناجائز و خلاف قانون قرار دهند در حفظ عفت و صیانت اخلاق عمومی بی اندازه موثر خواهد افتاد و برای جلوگیری از جنجال و قال قال بی خبران از یکی دو نفر علمای منور الاکار مانند آقای حاجی شیخ محمد ابن الشریخ قنوی گرفته و بر طبق آن نظامنامه هم از مجلس بگذرانند و این لباس منحوس تک آور کنونی را از زنان ایران بردارند هم خدمتی بشریت محمدي نموده و هم اثر زیادی باخلاق عموم بخشوده اند از آن بعد زنان هم مانند مردان متحد الشکل آمده در ایران از نر و ماده يك ملت متحد الهولائی ایجاد تواند کردید اینهم ناکفته نماند که بارواج آخرین مد فرانسه اگر این پرده بنام هم برداشته آید قطعاً خرابی اخلاق و فساد اعمال تک آور خلاف عفت در ایران چند بالا خواهد کرد پس آیا جز پهلوی دیگری در ایران دیده می شود که این قدم اخلاقی و اصلاحی را هم بردارد ؟ ما که نمی بینیم -

(بنیه دارد)

يك قدم تا سر منزل سعادت

(بقلم آقای دولت آبادی)

در ضمن مقاله که به امضای نگارنده در شماره ۱۲ این سال جبل المتین درج شده در صفحه ۶ نوشتام ایران سابق يك قدم داشت تا دره هلاکت و ایران کنونی يك قدم دارد تا سر منزل سعادت و آن يك قدم را احدی از ایرانیان امروز نمیتواند بردارد مگر شخص اعلیحضرت پهلوی

اخیراً یکی از دوستان تقاضا نموده این جمله را در ضمن يك مقاله شرح داده در یکی از جراید محلی منتشر نمایم با اینکه از سیاست بکلی دور هستم و می خواهم اگر روزی چند بمعمرم باقی باشد باز صرف تعلیم و تربیت نورسان ملت بشود محض اجابت دوست عزیز خود بنگارش این مختصر اقدام مینمایم

در سه موضوع باید سخن راند اول آنکه چرا ایران سابق يك قدم داشت تا بر ننگه هلاکت دوم آنکه چرا ایران کنونی يك قدم دارد تا سر منزل سعادت سیم آنکه چرا این يك قدم راهیچکس نمی تواند بردارد جز شخص اعلیحضرت پهلوی

بر ارباب بصیرت پوشیده نیست که يك صد و پنجاه سال سلطنت قاجاریه در ایران با هر چه در بر داشت نه تنها بد بختی های بی شمار سیاسی و اقتصادی که برای این مملکت آماده ساخت بلکه مملکت را ظاهراً و باطناً سیر فقرائی داد - اغلب پادشاهان این سلسله سه چیز را در راس دستور زندگانی خود قرار داده بودند از خارجه فشاری

و اما مطلب سوم که این يك قدم را هیچکس نمی تواند بردارد مگر شخص اعلیحضرت پهلوی بی این طور است و سخنی به اغراق گفته نشده چونکه کار انتخابات مشکل آسان نمانده است و به یکی از سه صورت ممکن است اجری گردد

اول آزاد گذاردن آن به تمام معنی بر طبق قانون با محدود ساختن آن بشرط سواد در انتخاب کننده در موقع خود دوم در تحت نظر گرفتن کامل و تعیین اشخاص و اعمال نفوذ برای رسیدن آن ها بمقام وکالت و مجلس را بصورت یکی از موسسات در آوردن

سوم راهی در وسط این دو راه گرفتن چنین برای شق سوم حدی نیست و قهراً بصورت شق دوم در خواهد آمد پس راه منحصر به فرد همان راه اول است که حاکم در انتخابات قانون بوده باشد و اجرای قانون انتخابات به تمام معنی و تمرکز دادن بقوای حقیقی ملی در بهارستان و تکمیل نواقص قانون انتخابات در مجلس هشتم و این آن قدمی است که تنها شخص اعلیحضرت پهلوی می تواند بردارد و مملکت را بسرخمد سعادت برساند -

[اطلاعات - منطبعه طهران]

حبل المتین

بیانات دوست ما آقای دولت آبادی متین و قابل تردید نیست البته محتاج بشرح است - از چند شماره به این طرف ولو در قالب الفاظ دیگر بوده همین موضوع تعقیب شده است مات باید پشتیبان دولت گردد و دولتی که ملتش از صمیم قلب پشتیبان وی نباشد ترقیاش بر پایه رزین گذارده نشده حریف ایست که کدام مات ؟ مات دانا - مات خوانا - ما متقدمیم که آن يك قدمی که باید اعلیحضرت پهلوی بردارد اجرای تعلیم فریضه و توسعه مدارس ابتدائی و متوسطه و اصلاح مدارس عالی در مملکت است تا وقتی که چنین نشود نه استفاده کامل از انتخاب وکلا و مجلس می توان برد و نه دولت می تواند اعتماد به پیشرفت ترقیات آتی بهاید - گفتیم فعلاً ترقیات مشهوره همه در سایه دکتیتری يك مرد بزرگ یعنی اعلیحضرت پهلوی صورت بسته نه مجلس در این پیشرفت های عصر حاضر دخالت دارد و نه افراد مات خدای نخواسته اگر امروز سانحه پیش آید تمام ترقیات کنونی که انگشت نمای خاص و عام خودی و یگانه گردیده کان لم یکن شیئا مذکور را میگردد باید مات را خوانا ساخت و کلاء از اعضاء همین مات انتخاب می شوند و دولت هم عضو همین مات و وکلاست خواص فرمود که مات را دانا ساختن محتاج بطول زمان است ولی هر وقت که بخواهیم کار های مملکتی را بر اساس متین گذاریم مجبور به همین اقدام خواهیم بود هر ساعتی هم که این اقدام بتأخیر افتد ناامی امور هم بتأخیر خواهد افتاد نوشتیم هشتاد سال است میان ایران سهواً با عمد آخست اول تربیت ایرانی را کج نهاده اگر امروز پهلوی آن کجی را رفع کند هر بیانی که بروی

آن گذارده آید راست و صحیح تواند ماند اگر تعلیم فریضه شروع شود و مدارس اکابر افتتاح یابد در مدت ده سال می توان راهی را پیمود که هشتاد سال مریان سالفه نه پیمودند - حکومت ملی در مردمان ناخوانده و کنده های نا تراشیده همان نتیجه را میبخشد که در این ربع قرن بپخشود که هنوز وکیل و موکل و اصول انتخاب و قدر آراء را نمی دانیم پس باید اساس را درست کرد و این اساس جز به تعلیم فریضه و توسعه مدارس ابتدائی و متوسطه و اصلاح مکاتب عالی و ایجاد اینورسته ها بتمام معنی صورت نه بندد ورنه همیشه در نقائص غوطه ور و منتظر خواهیم بود که شخصی مانند پهلوی پیدا شود تا سر و صورتی بسکارها بدهد - باید کلام و اهم را که بپرس بسمارك گفت در گوش ساخت از پرس خواش کرد که اقتضات خود را ملت بخشای حالا ما م از اعلی حضرت پهلوی استدعا و نمای می نمائیم که اقتضات خود را ملت محبوب خود ببخشاید و ضرورت این بخشش همانا اجرای تعلیم فریضه در ملت است باید بهر قیمت که تمام شود نقائص این عمل را مرتفع ساخت چه تا وقتی که ملت خوانا نه شود و حقوق خود پی نبرد و يك را از بد نیز ندهد نه پشتیبان دولت خواهد بود و نه راه ترقی را بصیرانه خواهد پیمود

نیم قرن متجاوز است که تجربه ملت خود و ملل امثال خود را نموده از روی بصیرت تصدیق می نمائیم فرمایشات بزرگان را که گفته اند « اساس جمیع سعادت های ملی و پایه کلیه ترقیات بروی علم است » اینجا يك موضوع را که سابقاً هم نوشته تکرار می نمائیم که توسعه علم در يك ملت منوط بدانشین کتب علمی بزبان آن ملت است متأسفانه این موضوع هم نیز از مریان قرن گذشته ما فوت شده تا امروز يك کبابی که حاوی سعادت عمومی ملت باشد و بدرد تعلیمات عمومی بخورد تهیه نکرده ایم این قدم هم یعنی تاسیس دارالترجمه وسیع بنام معنی با اجرای تعلیم فریضه توام باید برداشته شود اگر ربع قرن ایرانیان طریقه مشی خود را بگردانند و آن راهی را بروند که رهروان رفته و می روند بیش از يك قرن ایران پیشرفت تواند نمود این بود شرح بیانات دوست سی ساله ما آقای دولت آبادی و این همان قدمی است که باید اعلیحضرت پهلوی بردارد و امید داریم که این قدم را بزودی بر دارند و هم بتکمیل آن موفق آیند -

عریضه سرکشاده

منشیان کبابی نقت

(قابل توجه وزارت اقتصاد ملی)

تعقیب شکایات گذشته از طرف ما منشیان و کارگران ایرانی شرکت مزبور مجدداً توجه وزارت حایله مربوطه و خواطر سایر زمانداران علاقمند را بسوهای عدی مامورین انگلیسی این شرکت جلب مینماید و امیدواریم که یش ازین باین قبیل شکایات رسیدگی شود

ما افسراد ملت هاتقدر که از اقدامات مهيه شخص اعليحضرت هابونی خورسند و شکر گذاريم به هان میزان آرزو مندیم که از برگزیدگان آن قائد توانا نیز خدمات ذقیقت نسبت باین آب و خاک و نسبت بفرزندان وطن مشاهده گردد

ملت چشم داشت همه کوزه قدم های برجسته از وزرا و عمال نامی دولت پهلوی داشته و مرکز این خیال محال را که یکتن اعليحضرت باید بجزئیات کل امور برسد در بخیله خود خطور نمیدهد

ما منشیان و رنجبران ایرانی شرکت نفت جنوب که قسمتی از توده ملت را تشکیل میدهم شکایتها نوشتیم و مینویسیم اما متأسفانه نمی بینیم کسی بفریادمان برسد - این داد های ما اعضا و کارکران ایرانی این شرکت که کوش فلک را کر نمود ، مربوط بوزارت جاییه اقتصاد است و ما منتظریم باسرع وقت این وزارت خانه که سرمایه امید ملت است در این امر مهم جداً دخالت فرمایند که دیگر کاسه حوصله لبریز و کارد باسخوان رسیده

اصل موضوع این است که ما مستخدمین ایرانی این شرکت عموماً نسبت به مستخدمین هندی و عراقی مظلوم واقع شده ایم - سابقاً گفته باز هم عرض می کنیم ما اجزاء انگلیسی ، امریکائی و استرالیائی شرکت کار نداریم که چه قدر حقوق و چه فوق العاده ها میگیرند و میگوئیم ممکن است آنها بحق هر آنچه میگیرند باشند : اما میخواهیم بدانیم نسبت به هندی ها و عراقی ها که در خاک ما آمده در اداره نفت ما استخدام گشته اند چرا باید مظلوم و حقوق مان پایمال گردد ، از چند نفر را پورتجیان ایرانی که باسم منشیگری استخدام شده لیکن برای رؤسای جاسوسی و کار های دیگر می کنند ، از این یشرفان که اخبار و اسرار مملکت را در لباس میش جمع آوری و بدست کرکان خارجی میدهند بگذرید که مواجب و فوق العاده مکفی گرفته تأمین آتیه می کنند - سایر اجزاء و کارکران ایرانی این شرکت باینکه نسبت باجزاء و کارکران هندی و عراقی اگر بهتر و کاری تر باشند بدتر هم نیستند حقوقشان نصف حقوق این ناخوانده مهمانان است و ملت تنها این میباشد که هندی ها و عراقی ها رعایای دولت انکلیس محسوب می شوند و ما ایرانیان یگانه

این مأمورین کمپانی که خود را خداوندان عقل ، حکمت و تمدن میداند هنوز پیش خود فکر نکرده اند که این مملکت و این نفت متعلق با ایرانیان است - ما صاحبان خانه اگر از محصول خانه خود بیش از اجازت (بخصوص غلامان اجانب) توشه ببر نداریم کتر هم که نباید - مگر ما تا کی میتوانیم ساکت بمانیم ، آخر این لکام کیبختگی و این بی وجدانی اجنبیان این شرکت داری تا کی ؟ یائید قبل از اینکه اختیارات شما معدود گردد بوظایف حق خود عمل نمائید و تذارید بیش از این داد و فریاد منشیان و کارکران و مزدوران ایرانی بلند شود - یائید قبل از تجدید نظر دولت ییدار کنونی در امتیاز داری شما خود تکلیف خود را بدائید نسایر حقوق و رفقایین عموم منشیان و کارکران شرکت میزان قابلیت

ممول دارید ، و الا آنچه باید بشود خواهد شد و شامهم جز پشیمانی سودی نخواهید برد

خیلی مطالب دیگر هست که تقدأ نمینویسیم ، اگر خدا بخواهد (خواه نوشتن آن مطالب لطمه بآورد خواه نیارد) بالاخره روزی پرده را بالا زده دخالت های نامشروع مأمورین سیاسی يك کمپانی تجارتی را در امور مملکتی بموم علاقه مندان باین آب و خاک نشان میدهم پس خواهید دید که اولیای امور این شعبات پلیتیکي شرکت را در همه جا عملاً از کار خواهند انداخت

چند ماه قبل وقتی که حکم انحلال شعبات روابط رسمی آمد یکی از انگلیسهای درجه اول در همین آبادان گفت ، این شعبات که تازکی حکم انحلال شان آمده در ابتدا شعبات پلیتیکي اسم داشتند بعد آن ها را شعبات محافظت خواندیم ، بعد شعبات روابط رسمی و حال که حکم انحلال اینها هم آمده شما چه تصور میکنید ؟ کفتم بلی بشما حکم میشود که این شعبات را منحل کنید و شما تنها اسم آنها را تغییر میدهید عمال و اعضای آنها بجای خود برقرار و مشغول کارند - گفت بلی بلی درست فهمیدی همین قسم میکنند و تو خودت میدانی که من با این ترتیبات مخالفم -

در خاتمه پیشنهاد میکنیم که هر قیمت تمام میشود هر چه زود تر تجدید نظر در امتیاز شرکت نفت هم شروع شود و شعبات پلیتیکي و سیاسی این شرکت در همه جا عملاً برانداخته و منحل گردد و نه تنها اسماً - امروز شرکت در همه جا يك شبهه پلیتیکي دارد - در نقاط مهمه مثل آبادان ، اهواز ، مسجد سلیمان و در دشت قیر يك نفر انگلیسی و يك نفر ایرانی مأمور این کار هستند و در نقاط غیر مهمه فقط يك نفر منشی ایرانی - يك شغل اینها این است که اخبار راست و دروغ توسط عده ریزه خوار و غیره جمع آوری و ترجمه میکنند و به کجای میفرستند نمیدانیم - يك شغل دیگرشان این است که همیشه هر جا هستند با متفدین طغیان جوی محل ساخت و پاخت نموده بوسیله چند ظرف و بسکی ، آب جو و قدری شاکولات این بد بخت ها را اغوا و خرسواری خود قرار میدهند - بعد هر اقدامی که برخلاف مصالح مملکتی خواهند توسط همین متفدین مزبور شروع می نمایند - میگوئید شاید دوستی متفدین را برای پیشرفت مقاصد مشروع خود طالبند - عرض می کنیم خبر نه چنین است ، هرگاه قصد این بود دوستی صاحب منصبان قشون و روسای ادارات دولتی را که امروز قدرت و اقتدارشان بیش از سایرین است خواهان میگشتند و نه دوستی یاغیان و طایغان را

نیز این آقایان مأمورین پلیتیکي شرکت همیشه نسبت به ایرانیان وطنخواه و دولت دوست بد بین هستند و بعکس مستخدمین ایرانی که حس وطنخواهی و دولت دوستی در وجودشان نیست فوق العاده مهربان و بذال می باشند

[هیئت منشیان و رنجبران نفت جنوب]

لیکنان در کشور ما

دیر زمانست در نتیجه وضعیت کنونی ما که باید در حقیقت آن را بحران بنامید دروازه های مملکت ما بروی اجانب باز شده و دسته دسته بیکاره ها و شارلاتانهای اروپائی از حبله و تزویر خود و نادانی و سادگی ما استفاده نموده کشور ما را جولانگاه خویش قرار داده شب و روز می کوشند تا آخرین رمق ما را هم بکشند: هر دسته به يك عنوان دکتر - قاضی - متخصیص - تاجر و کاسب و غیره دولت و یا کسی هم ابداً بفکر نمی افتد اکنون که ورود اینها را آزاد گذاشته اند اقل رفتار و عملیات آنها را بوسیله قوانین صحیح و مبنی که کاملاً منافع ایرانی را حفظ کند در تحت نظم و ترتیب آورند از لای امور ما در اینجا هم مانند تمام قسمت های دیگر فقط با بند الفاظ بوده و بهمین حبله که می خواهیم سرمایه خارجی را وارد مملکت مانیم قانع و ذل خوش اند ولی غافل از اینکه نه تنها ثروتی وارد مملکت ما نخواهد شد بلکه هستی مان هم از دست خواهد رفت - چه آنها بیکاره و ثروت وارد مملکت می کنند اینها نیستند آن ها متولین و سیاحان و صاحبان کارخانجاتند که متاسفانه بواسطه نداشتن راه های صحیح مهمان خانه های لوکس و سایر وسایل تفریح و آسایش و اشکالاتی که در ایران برای مسافرت در بین است به ایران نمی آیند گذشته از آن چون اکثر اجانب کنونی در ایران از طبقات بیکاره و پست اروپائی هستند نتیجه معاشرت با آنها يك مشیت اخلاق زشت و پستی است که اخلاق جوانان امروزی ما معرف آنست -

نکته جالب توجه اینجاست که این ولگرد ها هم کاملاً بی به اخلاق ما برده اند و چون میدانند که تا چه حد ما با بند الفاظ راه چاییدن ما را خوب یاد گرفته اند اینها فهمیده اند که کلمه کپانی در ایرانی اثر خمپاره را دارد و دکتر اثر نارنجک اینست که به اصطلاح چوب به سر سگ بزیند در طهران کپانی و دکتر خارجی سبز میشود دولت ما هم مانند همه دولت های دنیا از این اشخاص مطالبه اسناد و مدارک لازم و کافی نمی نماید و ضمناً بوسیله دائره اطلاعات مخصوص سابقه درخشان آنها را خواستار نمی شود لذا چیزی از ورود شان نمی گذرد همین هائی که در موقع ورود سرویز و وضع شان قابل رقت بوده يك مرتبه صاحب اتوموبیل و دستگاه شده و در بهترین منازل و محله های ما اقامت میکنند آن وقت خود را فراموش کرده و شاید از نواده خانواده سلطنتی بروس تصور میکنند و دوات هم که نمی داند و با می خواهد بداند که این مسبوها که خود را دکتر دکترس و یا رئیس فلان کپانی مینامند چطور در اعمالیات خلاف قانون از قبیل سقط چنین و قتل نفس و غیره مجبور بترك وطن شده اند و ممالك دیگر از پذیرائی آنان خود داری کرده اند فقط کشور آزاد ماست که بدون هیچگونه بازخواستی دروازه هایش را بروی آن ها باز گذاشته که هر طور میل دارند رفتار کنند -

اشخاصی که زبان خارجی میدانند و با آنها معاشرت دارند و یا در کانه ها و میجام خصوصی و عمومی بگفتگوی آن ها کوش می دهند

میدانند که این ولگرد های هرزه اروپائی با چه بی شرمی بوطن مان و بالتیجه به ولی نعمت های خود شان فحاشی میکنند و از آب و هوا زمین و آسمان ما بد کوئی می کنند و کسی نیست که بدهان اینها کوته و بگوید شما هائی که از اثر دست رنج ایرانی صاحب اتوموبیل و دست کاه و ثروت شده اید و هر روز و هر شب مشغول کیف و عیاشی هستید باصلاح که برای شما ها نامه فدایت شوم نوشت و که بشماها التماس کرد بایران بیاید جز فقر شما جز استیصال شما جز ترس از تعقیب محاکم قانونی خود نان علت دیگری هم داشته است مثلاً ملاحظه فرمائید يك نفر از تاجر آبرومند و معروف ایرانی که سال هاست در برلین می باشد سه سال پیش برای دیدن اقوام و دوستان خود مسافرتی بوطنش کرد پس از پنج ماه که مراجعت نمود دولت آلمان از مخارج مسافرتش که در ایران کرده بود مالیات گرفت برای اینکه مدعی بودند او پول آلمانی یعنی سرمایه را که در آلمان تحصیل کرده است در ایران خرج کرده يك مملکت آن طور میشود یکی مانند مملکت ما کدام یکشاهی را از این هائی که گدا می آیند و متول بر میگردد گرفته ایم آخر ما که چشمه طلا نداریم تا کی باید دست رنج ایرانی وسیله خوش گذرانی و تعیش این زمره اشخاص باشد و در عرض بد کوئی کرده فحشمان هم بدهند پس آخر اولای امور ما مشغول چه کارند ما که مشغول جنگ نیستم انقلاب داخلی نداریم - روابط سیاسی مان تیره نیست - پیر اداره و وزارت خانه هم که نگاه کنید همه مشغول روزنامه خواندن و خیازه کشیدن اند - کاپیتولاسیون هم نیست که بگوئیم مانع از اجرای مفاعد و آمال ماست پس علت این که همه دست روی دست گذاشته و می ننگریم چیست؟ چرا بجای این که شب روز بفکر وضع مالیات هائی که فقط تحمیل به نوده ایرانیست و در حقیقت سر هم را تراشیدن است هستیم در فکر اینها بیکاره و ثروت ما را می برند نیستم بکثرت تاجر ایرانی در آلمان باید چندین نوع مالیات کمر شکن بدهد از قبیل مالیات اقامت سرمایه - حرفه - زمین - خانه - کسب - عایدات و غیره بطوری که برای آن بیچاره يك غاز هم نمباند که بوطنش برگردد چرا ما هم عین این مالیات ها را از اینها که حتی از خرج کردن يك دم آن هم در ایران مضایقه می کنند مطالبه نمی کنیم.

برای اینکه سخنان من که فقط عشق سرشار بوطن و حسن نیت است آن است حل باغراض شخصی نگردد لذا از نام بردن اشخاص و شرح سوابق آنها خود داری نمودم ولی در صورتی که در آتیه آن را لازم بدانم برای استحضار خاطر اوایای مربوطه خواهم نکاشت در خانه توجه هیئت محترم وزراء را بشروحه فوق جلب و بنام وطن و مصالح آن تقاضا میکنم بدان ترتیب اثر دهند اینجانب هم آنچه که بنظرم میرسد راجع به محدود کردن بعضی از مشاغل را برای اجانب و نیز ترتیب مالیات های مختلفه و غیره که يك قلم برجسته از عایدات مملکتی را تشکیل خواهد داد در شماره های آتیه بعرض خواهم رسانید -

رشوه و بی لگامی

(اولای مربوطه وقت فرماید)

در ایران اگر يك نفر بخواد صالح شود چه میتواند بکند؟
تقصیر با کیست؟ چرا مدیران کمربند دزدی میکنند اردوی اعزامی
بجنوب چه کرد - تأثیر ورود اردو در خوانین محلی در بدو امر -
نتایج حاصله از حرکت اردو بعد از ترك جنوب - علت اغتشاشات
قارس - چه طور میشود از این اغتشاشات جلوگیری کرد - راه
علاج چیست -

در شماره ۲۷ - ۲۸ حبل المتین تحت عنوان «خرابی از رشوه»
نکارنده آن خواسته بهمانند که مامورین مقصود نکرانده هم با این
صنیده موافقت و حقیقت فوق را قبول میکنم و تصدیق میکنم که صد
پنجاه خرابی کارها از دانات، پستی و رشوه خواری مامورین است
و اذعان دارم که بقول صاحب مقاله «اگر مامورین پی بوظیفه برده
حقوق شناس باشند خیلی از مفاسد جامعه مرتفع خواهد شد» ولی
در عین حال هم سؤال میکنم اگر يك مامور وظیفه دار شد چه میتواند
بکند؟

حال جواب بدهید اولاً بگریید به ینم يك مامور چه وقت وظیفه
شناس میشود؟ این مسئله خیلی مهم است بعد هم به ینم اگر وظیفه
دان شد چه میتواند بکند؟

تصدیق کنید که وقتی نوکر شما نسبت بشا صدیق وفادار خواهد
شد که شما اولاً حقوق کافی به او بدهید که حاج نباشد ثانیاً وقتی به
او تا حدود لزوم فخر بدهید که بتواند و طاقت محوله را انجام دهد
ثالثاً در امور او نظارت کرده و به اصطلاح کاملاً او را پائید

در مملکت «امامت شش هزار ساله» اولاد محب سیروس
هیچیک از منظررات سه کانه فوق انجام داده نمیشود - مثلاً در کمربند
يك مدیر برای شش هفت آلی ده فرسخ سواحل تعیین میشود این
مدیر مسؤول است در این محیط از ورود امنه ممنوعه جلوگیری کرده
محفظ انتظامات کمربند را هم بکند در این محیط فقط دو مستحفظ به اختیار
او گذارده میشود و در ماه دوازده تومان حقوق به این مدیر و
هشت تومان بهر يك از مستحفظین او داده میشود

این مدیر با این حقوق باید خود و يك عائله و کلیه واردین را
پذیرائی کند در حالیکه مثلاً نان در این حوالی دو برابر بوشهر
و گوشت و وسائل زندگانی نایاب است این حقوق هم دو ماه دو ماه
عقب می افتد از يك طرف دیگر این مدیر با مستحفظ خود در حالیکه
دولت کوچکترین نفوذی هم در این ناحیه ندارد باید با يك نفر خان
یا شیخ که اقلاً صد یا دویست تفنگچی تحت امر خود دارد بجنگد و از
قاچاق جلوگیری کند از طرفی هم وسائل حرکت ندارد و باید پیاده
این راه را برود شیخ یا خان هم با تفنگچی خود محظوران برای او
ایجاد و او را با خفت بر میگردداند وقتی هم که شکایت شد راپرنا زیر
دوسیه ها و اوراق گذاشته میشود شیخ هم جری تر شده جداً باب آسایش

را بروی مامور می بندد مامور هم هر چه فریاد میزند بجائی نمیرسد اگر
هم رسد «بوقع اقتضا میکند» میگذرد

نتیجه چه میشود؟ نتیجه این میشود که مامور خسته شده بگوید
کور پدر دولت و ملت با شیخ بمسالمت در آمده بازاء اینکه راپرت
نخواهم داد حق الرویه دریافت و شتر دیدی ندیدی را ماحوظ خاطر
دارد که هم از پریشان اقتصادی رهائی جوید و هم از توهینات و فشار
شیخ آسوده شود بالاخره طبیعت این مامور عادت به رشوه خواری
دزدی بی شرفی میکند مسئول این تحول اخلاقی کیست؟! خوانندگان
بهتر می فهمند پس مسئول حقیقی رشوه خواری مامورین دولت و اولیاء
محترم امور هستند این مامور پس از آنکه عادی شد بهر مامورینی
برود فکر و ذکرش دزدی است -

حالا فرض کنید يك نفر با همه این اشکالات دزد نشد و خیانت
بجینات ملی را ترك گفته سزاوار ندید این شخص چه می تواند
بکند من برای اینکه کاملاً بتوانم نتیجه عملیات چنین ماموری را
بگویم خودم را مثال میزنم من خودم دارای سمتی شده و مامور دفتر اداره
کمربند شدم و در منطقه مجبور بودم دائماً با دو شیخ مقتدر و چهار
پنج نفر خوانین سرکش و مقتدر و ضعیف طرف شوم وقتی وارد محل
ماموریت خود شدم حقیقتاً خجل شدم زیرا دوائر کمربند این شش
بندر منحصر به شش طویله بود که کاو در آن منزل می کرد - مدیر
ناحیه و مدیران دیگر مجبور بودند بنده شیوخ محلی باشند من
خواستم شرافت ملی خود را حفظ کنم بدو به دو کار اقدام کردم
اول فشار به اداره دوم فشار در منع قاچاق که در این ناحیه عانی و
آشکارا و بی ترس و بیم بود در قسمت اول ۱۴۰۰ مرساله در شش
ماه در لزوم تکمیل قوا و خلع سلاح خوانین و تشکیلات اساسی
نظامی در بنادر و تهیه منازل آبرومند برای مامورین و لزوم تزئین
حقوق مامورین با دلائل مکتبی و منطقی به براهین مقنع با ارائه راه
برای وصول به مقصود به اداره ایالتی نوشتم به علاوه مراسلات آتشین
و تند (حتی خارج از حدود وظیفه اداری خود و در حقیقت از کلیه
حیثیات خود گذشته صریحاً الهجه) بمقام امارت معظم و محبوب لشکر
جنوب و حکمران کل بنادر و دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال داشتم
در قسمت دوم با رقص روزی شش فرسخ پیاده و با الاغ و
تحمل فشار شیخ حاتم خان از حبت آذوقه عایق منزل و باوجود
مخاطرات زیاد چند فقره قاچاقهای کوچک گرفته و در اثر فشار
کاری کردم که اداره محترمه ایالتی ستور ها را بطور دائم بدستی
اعزام نمودند و نتیجه که گرفته شد این بود قاچاق يك ماهی بالمره
مقطوع شد و قد از کاه ۲ قران به ۵۰ قران و شکر از منی شش قران
به ۹ قران بالا رفت

شیخ حاتم و شیخ محمد و خالو حسین که هر سه از قاچاقچیان معروف
و این اقدامات را مخالف مصالح خود دیدند شروع به فشار کردند
و يك فقره مامورین مرا زدند و خلع سلاح کردند هر چه فریاد
کردم اثری نداد

شیخ چون عمل خود را بی مجازات دید بر تجاسر افزود و مامورین و خود مرا در پرك تهدید کرد و در پرك مجدد فحش کاری کرد و در نخل تقی مجدد چوبکاری و سنك باران و تیر باران نمود مع هذا از مرکز هیچوجه از او سوالی هم نشد -

شیخ جسور شد سائریں جسور تر شدند قاچاق شروع به ترویج کرد هر کس ۲۵ تفنگچی داشت چهارش رسید و در عرض چند روز دو سه فقره جهازات در پرك نخل تقی و بونه داولی پیاده شدند در بین شیخ محمد احمد خلفان جهازسنگر مزین به بیرق بست در پرك شیخ حاتم سه بالا خانه و برج قلعه اش را سنگر بسته چراغ به برج خود آویخت ورود قدر رسمی شد و کمرکات شیوخ آزاد و عانی باز شد شیخ حاتم از هیزم کل و هرشی که خارج شد کمرک گرفت و از قند های وارده عشور مآخوذ داشت و نتیجه مجاهدات من این شد که قبل ازین بواسطه آزادی ورود قند شیخ ننگله ۲ قران میگرفت حال ننگله ۳۰ قران میگردد جهازات تنگستانی ننگله یک قران میگرفتند حال ننگله ۱۰ قران اخذ می کنند خوب آقای نگارنده این مامور صالح این مامور نخواست حیثیت خود را برای گرفتن رشوه به باد بدهد من می توانسم با اخذ ننگله حد اقل یک تومان در عرض این شش ماه اقل شش هزار تومان استفاده کنم ولی نخواستم بشون ملی خود خیانت کنم چه نتیجه گرفتیم؟ اگر خیلی خسته نشده اید بنویسم نتیجه این شد که بواسطه قلت حقوق دویست تومان مقروض شوم نتیجه این شد که اگر فردا بخوام به بوشهر بروم خرج راه ندارم نتیجه این شد که با یک مشت اهالی سی فرسخ سواحل و نقاط دشتی دشمن شده ام نتیجه این شد که شیخ حاتم نان و آب مرا برید و اجناس را بمن دو برابر فروخت نتیجه این شد که مدیران و مستحقین تحت امر من بواسطه قلت حقوق و عدم استطاعت مالی یا استعفا بدهند یا تبدیل بخواهند یا در صدد تخریب من باشند پس ثابت شد که اگر هم کسی بخواهد صالح شود بدست خود بد بختی خود را تا مین کرده است - و ثابت شد که بیشتر مسئولیت ها بگردن دوائر و اولیاء محترم امور است نه مامورین جزء

در عین حال از خضاب مسیو ولترز رئیس کل کمرکات جنوب قبا متشکرم که با تمام پیشنهادات این جانب موافقت نموده و آنچه را ممکن داشت انجام و بقیه را ناما بمرکز با رای موافق ارسال داشت ولی انوس که در جاه های ادارات و وزارت خنهای طهران همه ممدوم الاثر شدند؟

باری این یکی از علل بود که مامور را رشوه خوار میکرد و معلوم شد که قصور با کمست حالا دولت معظم پولوی در صدد اصلاح برآمد بمخیال اصلاح يك اردوی شش هزار نفری مامور خلع سلاح جنوب ساخت اردو هم آمد ولی چه کرد؟ اولاً چه باید بکند؟ بدیهی است باید متدین را تنبیه و سیاست کند آنها را که مدیر ها را کشته اند مامورین را حبس کرده اند میلیون ها بوسله قاچاق بدوات خسارت رسانده اند تدمیر کند ولی متاسفانه هیچکدام از این کارها را نکرد

پس چه کرد؟ گوش بدهید تا بگویم اردو آمد در حالی که هیچ مانعی نداشت و ممکن بود با پانصد نفر نظامی همه خوانین را تدمیر و دستگیر کرده عبرت لئاعظربین سازد یاغیان را نواخت به فراریان الباسها کرد قاضاها کرد تسلیم نشدند آنها را رها ساخت و بحال خود گذارد در يك روز سی کلوله به يك عده نظامی از طرف یک نفر دزد که دارای چهار تفنگ بود شایک شد او را تعقیب نکردند بعد هم که با واسطه آوردند به او احترام کردند و مرخص ساختند

بقدری به دزدان لباس و التجا کردند که حیثیت دولت برآمد رفت سید محمد نامی را که سی سال است قاچاق می کند و بیش از ۱۶ تفنگ نداشت دو ماه لباس کردند که تسلیم شود نشد او را ترك کردند در صورتیکه با يك حمله کار او ساخته و پرداخته بود

این مسئله بطوری بر جسارت مردم افزود که هان خوانینی که مثل بز از عملیات خود هراسان بودند و حاضر بودند تمام هستی خود را بدهند و سالم بمانند و فتح کراش آنها را بکلی مرعوب ساخته بود غیورانه در موقع وجود اردو ۷۰ نفر را غارت و بی خانمان ساختند ۱۵ خر را با وجود ۲۵ نظامی از کمرک بردند اردو در جبرک بود دیر را اشرار محاصره کردند در طاهری به مامورین حمله کردند در طاهری به متور کمرک شایک شد در دیر مدیر کمرک تهدید بقتل شد يك جهاز مسلح کامل السلاح در مقابل دیر گرفته شد این بود نتیجه ورود اردو در دشتی و بنادر ثلاث

همین شیوخ پس از آنکه اوضاع را به این شکل قرین بی انتظامی دیدند و دانستند (وای اگر از پس امروز بود فردانی) هیچ بود فردا رسید و شش هزار نفر نظامی آمدند و هنوز به جبرک نرسیده بودند که در دیر مردم مجدد مسلح شدند فوراً شروع به آوردن اسلحه کردند و زادان خان و تراکه با اسلحه که شیخ مذکور و شیخ محمد احمد خلفان آورده بودند مسلح و به لار حمله ور شد شیخ حاتم با اسلحه وارده دشتی را بر علیه سید محمد مسلح کرد و در علویه برج و بار و برپا ساخت و قلاع نخل تقی را کامل السلاح کرد و بفجائع حمله بمامورین در موقعی که روی بار رسیده بودند مرتکب شد يك روز ۸ هزار حیوان برخلاف مقررات کمرکی در تین حل شد چند روز بعد ۷ جهاز قند و شکر و ده هزار فشنگ ده تیر (روالور) وارد شد با قیمت هر دسته ۱۵ قران در تمام این ناحیه بفروش رسید که ۲۵ عدد آن را خودم خریدم

قیمت تفنگ در بحرین از ۷۰ روپیه به ۲۰ روپیه و فشنگ از هزاری یکصد و پنجاه روپیه به نود روپیه تخفیف یافت و اجنیان هم بطور غیر مستقیم کمک کردند

اردو های اعزامی مجبور شدند مجدد در بمبئی مشغول شوند و بخارج کمرشک بمات سیروس تحمیل شود این بود علت اصلی اغتشاشات فارس و بطور کلی تا موقعی که بنادر بخوبی اشناله نشود غیر ممکن است فارس روی امنیت و آسایش بخورد به بند زبزا اصولاً کایه اسلحه که وارد فارس میشود از بنادر جنوب مخصوصاً

خور زیارت خور خان خور کرم دومینگز پرک ید خون تین عماریه
دستور پستانه شیو مقام کلات است

راه علاج چیست

نکارنده تنها راه اصلاح را ایجاد یک تشکیلات صحیح منظم
نظامی نه مثل تشکیلات سال ۱۳۰۶ میدام که تا یک سال بنادر جنوب
دارای حکومت نظامی و تحت اداره یک نفر صاحب منصب صالح باشد
بشرط آنکه کلیه شیوخ و ضباط جنوب که دفع آنها با ۵۰۰ نفر
نظامی سه ماهه ممکن است به بوشهر یا شیراز منتقل شوند

مردم این سواحل همه آرزو مند اقتدار دولت اند و خوانین محلی
فقط بصرف داشتن صد یا دوست تفنگچی که اگر جنگ باشد غیر
ممکن است بتوانند دو ماه مقاومت کنند عمایات یاغیان میکنند اگر
تقوٰذ خوانین قطع شود مردم همه مطیع هستند

اگر این سواحل بشکل منظمی اشغال شد از هر حیث میتوان
به آتیه فارس مطمئن شد و الا تا پنج سال دیگر هم دولت مقتدر به
اصلاح فارس نمیشود الان زادان خان از راه تین و دستور به اساجه
میکند که برای دومین دفعه به لار حمله کند

بنا بر این تنها علاج قطعی اشغال منظم سواحل است که یکباره
به اغتشاشات فارس خاتمه میدهد زیرا از طرفی ورود اساجه ممنوع
و یاغیان را مجبور به تسلیم دولت از طرف دیگر عایدی قاچاق که
باعث قوت خوانین است قطع میشود

(نجواد - فرخ زاد - از کنکان)

انتقاد از حبل المتین

بعضی اشارات در روزنامه شریفه حبل المتین درج می شود که
یکلی خالی از صحت است و البته تصدیق خواهید فرمود که این نوع
اشارات قبل از بدست آوردن خبر صحیح نباید در روزنامه حبل المتین
که یکی از روزنامه های کهن سال و نامی کره ارض است درج شود
زیرا شاید قرائت کنندگان خارج از محل واقعه و یا اشخاص غیر بسیط
در سیاست به محض خواندن روزنامه باور نمایند ولی تصور اشخاص
عالم خارج از دو نقطه نظر نه خواهد بود: یا کارکنان آن جریده
شریفه را جزء مغرضین شخصی تصور خواهند کرد یا وسائط نقایه
اخبار اعم از آنکه صدق باشد یا کذب. روزنامه های کوچک غیر
قابل تذکار ممکن است بواسطه عدم معامات که سرمایه روزنامه نگاری
است دارای این دو خصصات باشند و اگر هم همه روزه در سر لوحه
(اعتذار) تکذیب اخبار منتشر خود را بنمایند (اگرچه برخلاف قانون
مطبوعات است) که ابراردی بر آنها نیست زیرا حکم خلاف کار جاهل
و ا دارند ولی من و هم مسلمان من حتی نمی خواهم به خواطر خود
خطور دهیم که روزنامه شریفه حبل المتین که بدر مطبوعات قابل التعمید
ایرانی است با داشتن مدیران منور الفکر که هر یک دارای مسلک مقدسی
هستند دارای دو نابالو فوق الذکر باشد در خاتمه عنوان فوق که شاید
کوتاه نظران بگویند (پس از صفرا کبرا) از اشارات خالی از صحت
که در فوق کوش زد شد تذکر میدهیم؟

۱- خبریکه در یکی از نمرات آن روزنامه شریفه نوشته شده بود که
کارکنان دولت سویت در کشتی (اسپار تانک) اساجه به بنادر خلیج
فارس وارد کرده و بوسیله عمال جنوبی به اشرار داده اند و دولت
پس از اطلاع عده فشنون بریاست آقای امیر لشکریانی بفارس اعزام
داشته است

۲- در نمره ۲۹-۳۰ آن روزنامه شریفه در صفحه ۲۳ ذکر شده که
ساوینها بطریق غیر مستقیم پروپا کند کرده به ترکان چنین وانمود
کردند که کردان ایران یاقور خانه و مرد و سلاح به کردان عاصی
ترک کمک می دهند و...

من مثل یک نفر بی طرف که میل ندارم به جهانی چند که خالی
از سیاست نیست امر روزه دولت ایران در هرات اشارات خالی از صحت
که متشربین همان اخبار ماهی گرفتن از آب گل آلود را فقط در نظر
دارند حتی یک یاد داشت غیر دوستانه از دول همجواری خود دریافت
نمایند و هم چنین بر عکس با اجازه حضرت تعالی از مخبر همان اخبار دروغ
سوال می نمایم اگر مطالب اصل (ورود اساجه) صحت داشت صرف
نظر از سایر شهر ها چرا افلا در خود بوشهر، بندر عباس و عمره
که فقط کشتی های سیریت می ایستند چنین انتشاری وجود نداشته و
ندارد علاوه آن عمال جنوبی چه اشخاصی هستند؟ آیا آنها در تحت
تعمیب دولت واقع شدند یا ادارات مربوطه دولت این کار را مهم
ندانسته خون سردی بخرج دادند؟

راجع به اعزام فشنون بفارس در تحت ریاست آقای امیر لشکر
شیانی که بشما برخلاف صحت اطلاع میدهند بقین دارم که بخوبی
میدانید که آن عنصر فعال فقط برای قلع و قمع اشرار بفارس مامور
شد که دارای اساجه های تازه انگلیسی بودند اما راجع به اوضاع
کرد و پروپا کند کارکنان سویت، خود حضرت عالی که یکی از
سیاست مداران هستید بخوبی میدانید که سیاست دولت سویت ابداً
تیره کی و نزاع ما بین دولت ایران و دولت ترکیه را طالب نیست
خاصه امروز که از هر طرف امپریالیست ها خیال احاطه او را دارند
دلیل مثبت روزنامه های لندن است و اشارات خالی از حقیقت آنها
راجع به اکراد و دولت ایران. در این اشارات بدون تعمق
می شود درک کرد که همسایه (خیر خواه) جنوبی ما کدورت و نزاع
فی مابین این دو دولت را (ترک و ایران) که تازه می خواهند در
اثر قوه فکریه دو قائد بزرگ و قهرمان با شرافت در دائره تمدن و
سیاست عرض اندام نمایند با کمال اشتیاق طالب است ولی باید خوب
بداند که این دو ملت فریب آنها نمی را که عزت خود را در ذلت نوع
بشر می دارند نخواهند خورد و روز بروز روابط دوستانه ایشان محکم
تر میشود آیا مدیران جراید لندن نمی دانند که دست کمی در اکراد
کار میکنند؟ آیا آنها نمی دانند نسبتی را که بایران میدهند دروغ
هست؟ آیا نمی دانند که اکراد به پلست و تفنگ های تازه انگلیسی
مجهز اند البته می دانند باینکه مسبوق اند که آن دولت میخواهد یک
استقلالی با سم کردستان در جامعه مال تحصیل نماید و فوراً بوسیله

شیوه مرضیه یعنی قیومیت خود را صاحب اختیار آن ها قرار دهد من یقین دارم که مات انگلیس خود از این سائنسین و از سیاست آن ها تفر دارد زیرا در هر مانی خوردن مال صغیر آن هم در تحت قابو قیومیت حرام است با داشتن اطلاعات کامل چرا روز نامه شریفه حبل المتین از حرکت های غیر مشروع و جابربانه همسایه جنوب ما راجع با کسراد کوش زد یا اظهار عقیده ننکرده و همسایه شمالی را باعث بدبختی ما می داند در صورتی که آن ها ۱۳ سال است عام انقلاب را بر علیه رژیم جبار و ظالم باند کرده و مظلومین را در تحت حمایت خود می دانند در حالی که امروزه در هندوستان برای حصول استقلال خود با حکومت انگلیس می جنگند در عراق و مصر حتی کویت کوچک بر ضد طمع کاری آن قیام کرده و می خواهند خود را از فشار ظلم آن خلاص نمایند بسی جای تعجب است که مثل دوره استبداد تنزاری هم انگلیس با انواع و اقسام ثروت ما را از ایران می ربند و برای ادامه دادن باین عمل هر روز آتش در ایران روشن و باعث ریختن خون هزاران جوان های ایرانی میگردد. آقای مدیر محترم بعفیه من خوب است بجای اخبار وارده بی اصل (مثل ورود اسلحه در کشتی اسپار تاک) در روزنامه گرامی حبل المتین کرجه هدیه کوش زد کرده اید باز هم تجدید نمایند از عیاسیات بی رحمانه این دولت که سیاست او در شرق حکم میکروپ سل را دارد تا افراد ایرانی و همان اشخاصی که کور کورانه بنفع آن برادران و پسران خود را می کشند دشمن خود را بشناسند یقین دارم این اقدام یک مساعدت بزرگی خواهد بود بخزانة دولت و مات فقیر ایران و همچنین بخیالات اعلیحضرت پهلوی -

[ح - منوچهری]

- از سبزواری -

چندی قبل این اخبار از جوین به اینجانب که ساکن سبزواری هستم رسید که برای آن اداره محترم بفرستم که شمارا از مظالم مامورین انحصار مطاع کم غفلت شده و امروز فرستادم آقای مدیر همین قدر میخواهم بگویم اگر مخالفی برای دولت پیدا می شد و ده مایون تومان ضد دولت خرج میکرد تا اسباب تنفرات از دولت فراهم شود بزودی موفق نمی شد ولی امروزه مامورین انحصار باعث شده اند مطالب فوق را و بقدری در راه ها مردم را صدمه میزنند و سخت گیری میکنند برای نفیض که در واقع عیایات آنان شرم آور است و هیچ ملاحظه حفظ مقام اشخاص را منظور ندارند هر که می خواهد باشد باید مسافرتین بدبخت چند ساعتی در میانان سرگردان بماند علاوه بر این سواران امنیه اشخاص مالدار را در میان گرفته بار های او را به مزه و دست آخر که چیزی پیدا نکرده یک متقال تریاک در حیب او گذارده بعد جزیه از او اخذ می کند و لایحه ذیل قول ما را تصدیق میکند (مظالم استبدادی)

یک روز درب دکان یک نفر از کسبه محترم حقان مرکز جوین بودم صحبت از رفاه و آسایش رعیت و فقراء در این دوره بیان آمد

کاسب محترم اظهار تأسف و تأثر نمود سبب آن را سوال کردم جواب داد آیا هنوز هم در بعضی از زوایای مملکت جلوكیری از تعدیات بعمل نیامده است هنوز هم آن رعیت فقیر که ابداً پشت و پناهی ندارد آسایش ندارد بعضی منکر شدند جواب داد بهتر از اینکه همین لیه گذشته خودم در فلان محل بودم و بچشم خود دیدم يك نفر مامور مالیه که تحت او امر مالیه محل است يك نفر بی چاره را گرفته و مجازات های استبدادی می نماید که از لیه گذشته تا کنون من و يك نفر از کسبه دیگر متاثریم این اظهارات مزید تعجب حضار گردید این جانب نوبسند از آن کاسب اظهار کننده اسم آن رعیت را سوال و شروع به تحقیقات گذاشته معلوم شد که مامور امنیه که فعلاً مشغول اجرائیات مالیه است با يك نفر با کار کد خدا به خانه محمد حسین سنگتراش وارد میشوند و قیای شیره او را به عنوان قاچاق گرفته و مشارالیه را به اداره محترم مالیه جاب جرم قیای را آقای صفائی رئیس مالیه مطالبه میکنند جواب میدهد عاجز از پرداخت میباشم امر به مامور امنیه میشود بفرید هر طوری هست وصول نمایند مامور امنیه سنگتراش را بخانه کد خدا آورده او را چوب میان پا های بی چاره گذاشته و چوب میان آستین او کرد با ریسان محکم بسته سپس از سقف اطاق آویخته شروع بزدن می نمایند در بین سید ابوالقاسم خیاط میرسد شفاعت میکند قبول نمیشود کشتن زیادی میزنند بعد از سقف پائین آورده يك میخ چوبی تراشیده بزمین میگویند بدبخت را به آن میخ بسته پوستین پاره او را روی او انداخته مشغول رفع خستگی بودند که خبر کاسب مذکور میرسد ابتدا ابداً ماتفت قضیه نشده تا اینکه مشهدی مهدی نام نوکر رئیس مالیه وارد اظهار میکند آقای رئیس فرمودند فعلاً مرضض است کاسب مذکور گفت دیدم يك پوستین پاره را برداشتند يك نفر مثل يك كوله توپ از جوف پوستین دیده شد مامور يك میخ چوبی را از زمین کشید ریسان های دست و پای بی چاره را باز کرد چوب ها را از میان دست و پای او برداشت فریاد کریه سنگتراش بطور دلخراش باند شد خلاصه اظهار مرضضی را شنید با اشک جاری از منزل خارج شد خود آن شخص مظلوم يك عریضه دایر بر همین صدمات که به او وارد شده به یکی از مامورین محل هم عرض کرده است با مراتب معروضه ما نمیدانیم این مجازات استبدادی بحکم که بوده و اگر واقعاً تعقیب شود مسئول کیست چه ابداً تصور نمیرود بواسطه قیای قاچاق شخصی مستحق اینگونه مجازات ها که اهالی سایر ولایات دارند و یکی فراموش میکنند و امروز ابداً سابقه ندارد بوده باشد مقصود ما از این مشروحه جلب توجه مقامات مربوطه به وضعیت این محل است و فعلاً نمیدانم مامور امنیه سر خود چنین تعدی نسبت يك رعیت بیچاره کرده است یا اینکه محکوم به حکم بوده و اگذار میکنم به تعقیب و تحقیق مقام صالحه و اگر مدارك کتبی و شفاهی هم لازم باشد موجود است -

شستر قابل توجه است

يك از ایرانیان یا حبس وطن دوست غلام شستری که جداً ترقی و تعالی وطن را آرزو مند است چند روز قبل از وضعیات اقتصادی و تجاری و عمرانی وطن خود شبستر بعضی معلومات داد که يك فقره اش چون جالب دقت بود لازم دید که بسمع اولیای امور برساند این را باید قبلاً تذکر داد که حکومت شاهنشاهی پهلوی امروز در اعمار و اصلاح مملکت و در راه رفاه و بهبودی جامعه خود که همت نموده و میکند قابل انکار نیست و این هم باید نا گفته نماند چنانچه قائد عظیم الشان ایران هم خود را صرف ترمیم خرابی های مملکت نموده لازم است افراد و جامعه هم در حدود امکان و قدرت خود تاجائی که میتوانند ظاهر و بیرو شاهنشاه متبوع مضخم خود بشوند باین همه چون پهلوی مشکل کشا است باز هم توسلی جز به آن ذات والا سراغ ندارم بناء علیه نیاز ما باز در درگاه پهلوی امید است مقرون با جابت شود

در شمال شرقی شبستر قریه شانه جان نام که در دامنه يك کوهی واقع و رود بزرگی که متصل بدامنه کوه و از طرف شرق شبستر جاری است از این رود خانه استفاده که برای آبیاری اراضی مزروع و بالخاصه ساکنین شبستر تا کنون نتوانسته اند حاصل کنند یعنی بعبارت دیگر آب رود خانه که دارای هیچ سدی نیست همیشه باراضی لم یزرع و بیابان سرازیر است و ما در اینجا بمقاد (و من الماء کل شی حی) را در نظر گرفته چاره اندیشی را خواستاریم اگر چه چندی قبل از طرف دولت يك هیئت تفتیشیه محض برای این رود خانه مقرر فرموده و آمدند ولی از آنجا که ایرانی در حد ذات خود هنوز کاملاً معنای آبادی مملکت را درک نکرده و بالخصوص بعضی اشخاص منفعت پرست و بی سرو پا که از جبهه یکی هم از آخوند های کزانی بود کار را بطوری به مفتشین اعزای مشتهه کردند که بدون اینکه يك فکری و يك تشباتی بکنند مراجعت نمودند

انظر بمراتب فوق شاید بعضی اشخاص ساکنین شبستر را مورد ملامت قرار دهند که يك رود خانه ای را عاجز اند بر اینکه راه استفاده را دریابند و چاره را از شخص اعلیحضرت خواستار هستند ما در اینجا خود مان را ذیحق میدانیم چه اهل شبستر آلت دستخوش بعضی اربابان و ملاهای ربائی شده و تا وقتیکه این کابوس ها از فضای شبستر دفع نشده است از بعضی اصلاحات شهری محروم خواهیم ماند محض برای رفع این کابوسها چاره جویی و پناه بشخص شاه میبریم

البته دعای خسته دلان در درگاه حضرت پهلوی اجابت خواهد شد و مراتب فوق البته جلب توجه ذات ملوکانه را خواهد نمود ما منتظر داریم اولیای امور بالخاصه شخص اعلیحضرت که عمران و آبادی مملکت را آرزو مندند عطف توجهی هم باهل شبستر نموده واستفاده این يك مشت رعیت را بلیک اجابت جواب خواهند فرمود امروز دست کسریانی حضرت پهلوی در فضا و در زاویه های

ایران و سرتاسر مملکت را احاطه و تحلی نموده است و هر آنکس که مانع نیات مقدسه پهلوی باشد نه اینکه خائن وطن بلکه لازم است در پیشگاه ملت و در عدالت خانه انتقام پهلوی جزای سزای خود را ببیند امروز مملکت و مات ایران مدیون خدمات و فداکاری های شخص اعلیحضرت است و هر ایرانی باید نام مقدس این مرد جلیل القدر را تقدیس نمایند در اینصورت هم جائز نیست در این عهد فرخنده نارضائی و ناخوشنودی مردم شهری و دهانی از دست بعض اشخاص مفرض و بد فطرت حاصل شود ما ایمان داشته و معتقد هستیم بر اینکه شخص اعلیحضرت باین اشخاص چنانچه تا کنون امان نداده و من بعد هم امان نخواهد داد -

(استانبول - نهانند)

نقائص عمرانی افشار

اظهار حقائق و تشریح آن اگر چه در انتظار بعضی تنخ و ناگوار و منفور است ولی چون قسمتی است در يك امر که مستلزم فواید و مزایای عمومی و موافق با مصالح نوعی است طبعاً در مقابل نظریات شخصی پیشرفت و در انتظار حسن تلقی استقبال میشود پس هر چه حقائق گفته و اطراف آن قلمفرسایی شود همان اندازه در پیشگاه جامعه مقبول و تماس با هر گونه محاسن نموده و اذهان عمومی به طرف آن تمایل خواهد نمود

اینک من و سیاحت افشار اگر چه وضعیت عمومی این سامان تا کنون جاب توجه اولیاء امور را ننموده و همچو کمان رفته است چون شهر های خارج از مرکز مانند تبریز خراسان اصفهان شیراز بو شهر و کرمان شاه و غیره اصلاح و روز بروز اهالی آن قدم های باندی برداشته و مطابق دنیای امروزه اصلاحات را به دست خود شروع نموده این آرزو است که بدون آنکه به نفس و تشربک مساعی کوچک ترین قدمی این مردمان خواب افشار بسوی ترقی و تعالی بردارند -

معارف - پوشیده نیست که ترقی و تعالی يك قوم و افتادن وی در راه راست و وصول بمقصود میسر نشود جز در سایه معارف و بالعکس انحطاط و پستی و نزول در حقیض مذلت و سیر قهقرائی نیست مگر بواسطه عدم معارف سال ها بود معارف ایران از هر حیث عقب و خطر بزرگ معارفی غیر قابل استفاده ایرانیان را تهدید میکرد بمحمد الله از بدو طلوع ستاره پهلوی از افق ایران معارف قدم های باندی برداشته بهلاوه شهرها در فراء و بلوکات خصوص لرستان و کردستان در نتیجه تشربک مساعی خوانین و مالکین با فکر عموم از اشمه آن بهر مند و نوباوگان خود را رهسپار مدرسه نموده و نهایت معارف خود اهمیت میدهند و متأسفانه در افشار که پنجاه هزار جمعیت دارد از این نعمت محروم در قصبه تکان تپه يك باب مدرسه ملی است که از ما ترك مرحوم حاج محمد خان سردار افشار و فعلاً آقای حسین علی خان (سردار افشار) فرزند آن مرحوم اداره نموده و هر نوع مساعدت مینماید باین حال ناقص و نمی توان در

فهرست مدارس ملی امروزه محسوب داشت درصانقله يك باب مدرسه ابتدائی دولتی است که آنهم کمرش از فشار بودجه شکسته و اهالی از فرستادن اطفال خود بمدرسه خود داری می نمایند

صاحبه - امنیت مالی و جانی و اقتصادی و توسعه تجارت و بسط زراعت و معاملات عمومی و اطمینان داد و ستد مردم بمحاکم صالحه بسته است بصلحیه محمد الله امروزه با توجه مخصوصی که اعلیحضرت شاهنشاهی بمبدلیه مملکت فرموده قدم های باندی در تشکیل آن برداشته و صاحبه های محدود در اکتاف ایران دایر گردیده و لی هنوز در اغاب جاهای مهم مثل افشار توجهی نشده اهالی و رعایای بدچاره بواسطه سلب آزادی حقوق شان از بین رفته مالکین که از رعایای خرد وجهه بدی را مطالبه می کنند فروری از آن محل کوچ کرده جای دیگر می رود یا فلان مالک تعدی نموده رعایای فلان آدم را کوبانیده و می رود از این جهت عمل فلاح و زراعت از بین رفته و معدوم می شود

امنیه - یکی از تشکیلات مهمه که در حفظ آسایش عمومی مدخلیت تام دارد امنیه است که امنیت طرق و شوارع و حراست جان و مال و ناموس اهالی بااوست و در نقاط فاقد از عدلیه و پایش میتواند بجای یک نفر قاضی یا يك کیسر باشد باز متأسفانه در افشار يك پست امنیه بیش تر نیست که مرکز آن در صانقله و سایر نقاط استفاده نمی نمایند -

پست و تلگراف - در این مدت سه سالی که در تسکین تپه تلمیس گردیده اهالی نهایت از حسن عملیات مدیر آن (میوزا حسن خان پروین) خرسوقت و بسی سپاس گذار وزارت مربوطه میباشد هر چند ماه عایدات آن مضاعف می شود ولی چنانچه قاصدی که بصانقله ایاب و ذهاب میباید دولتی میگردد در ماه متجاوز از یکصد تومان از خط گروس و صانقله عواید داشت امروزه پست بصانقله (که تبریز یا نقاط سائر) می رود قاصد شخصی است که بعلاوه اینکه قاصد مزبور هر با کتی که صادر و وارد میکند يك قران و دو قران انعام میگیرد خسارت زیادی نیز به عایدات پست و تلگراف وارد می آورد اغاب از نجار نظر بدم رسمیت قاصد مجبورند مراسلات خود را از خط کروس و زنجان (بطی السیر) تبریز یا نقاط دیگر ارسال دارند چنانچه همین قاصد با اسب شخصی خود ماهی ده تومان از طرف پست و تلگراف مستخدم میشد به علاوه عواید آن اهالی و تجار نیز در رفاه بودند -

اقتصاد - امروزه ترقیات فوق تصوریکه برای دول و مال عالم حاصل شده و جلب بسی منافع غیر مالی از قبیل علوم و اکتشافات و تدوین کتب علمی و فنون ادبی و اختراعات آلات حرفه و صنعت و وسائط سهولت حمل و نقل و باعث راحت و آسایش مراوده و معاشرت و هزاران چیزهای دیگر که محسوس و مشهود خاص و عام است تمام از پروراندن مال و ثروت است رواج زراعت و تجارت و صنعت سبب ازدیاد قنون اختراعی و عایم اجباع شده ظهور قنون و علوم علت ترقی و تضاعف

زراعت و تجارت و صنعت میشود (چنانچه راه های فلاحی و تجارتی تسطیح نمیشد) نزدیک بود عمل زراعت و تجارت و صنعت در مملکت ما رو بنقصان بلکه از بین برود (همچنانکه افشار بواسطه نبودن جاده در حال وداع است) قدری بر حسب منویات خاطر خطیر شاهانه اولیا محترم امور از ضعف آن پی برده و بتأسیس بانک ملی و وزارت اقتصاد و الثای اسکنا و ایجاد شعبه بانک فلاحی برآمده امید می رود مات از تنگنای فشار اقتصادی راحت و آسوده گردیده بصنعت و تجارت خود اهمیت دهند ضمناً چنانچه وزارت اقتصاد ملی نیز مطابق سایر وزارت خانها در تمام ایالات و ولایات اداره باسم اقتصاد ملی تأسیس می نمود بهر موفق به آبادی و آرزوی خود گردیده و شعبات اقتصادی خارجی که در تمام ایران موجود است بیش از این در امور اقتصادی ما تجاوز نموده و لطمه وارد می آوردند و همچنین حقوق کارگران قالی روز بروز مبتلا بضعف نمیکردید امروزه صنعت قالی افشار جلب توجه بازار اروپا نموده سال گذشته در همدان هشتکام ملانات مسیو و لمار سوئدی رئیس کمپانی قالی شرق ضمن صحبت از وضع قالی ایران و مراقبت دولت اظهار میداشت صنعت قالی افشار بازار غرب را متوجه خود ساخته و اخیراً دستوری بمن رسیده نقشه افشار (حوض ماهی) بشام شعبات خود دستور دهم و نیز امری کانی های مقیم همدان به ما این و دلال های خود قالی افشار را سفارش میدهند ولی دلال ها برای استفاده خود هشتکام خرید اسم کمپانی نمیرند اهالی هم کور کورانه دست رنج و صنعت پر بهای خود را بقیمت های نازل تحویل داده و بواسطه نبودن راه و وسائط حمل و نقل به بازار همدان یا تبریز این تجارت را انحصار دلال های همدانی نموده اند یکی از شکست این صنعت همین است چنانچه وزارت اقتصاد بوسیله وضع قانون دلال ها را محدود مینمود مساعدتی نیز در امور ترویج این صنعت میکردید یکی از صاحبان مهم کار خانه قالی افشار آقای بجی خان افشار (افتخار الملک) است همیشه رعایا را باین صنعت تشویق می نماید اساساً در پروراندن کوسفند و پشم رنک و نقشه نهایت دقت و مراقبت را منظور داشته نسبت بکارگران خصوصاً و رعایا عموماً مثل يك پدر مهربان و هر ماهه مبلغی دوی صحتی از همدان یا تبریز خواسته و مجاناً برضای آنها اهداء نموده و آنان را باصلاحات و نظافت و حفظ صحت دواب و حشم می آگاهاند خلاصه عمل زراعت و تجارت نیز چنانچه جاده بهمدان یا تبریز (۱۲ فرسخ از خط گروس، ۹ فرسخ بصانقله) که چندان مخارجی ندارد تسطیح شود خواندین و مالکین محترم برخاسته و آسین بالا دهند و دامان همت برای اصلاحات خود بگمزنند و نسبت بزیرستان و رعایای دلریش خویش مشفق و مهربان باشند و بی اضافی که در اغلب حکم فرماست روا ندارند و تبیض نیز از طرف مأمورین رخت بر بند بسی قابل توجه و شایان تقدیر بوده اهالی عموماً از نعمت ترقیات و اصلاحات عصر پهلوی متمتع و برخوردار خواهند گردید زیرا امروزه موقعیت مملکت باستانی ایران از توجهات ذات والا شاهنشاهی بشام ایالات و ولایات و

قضایات اجازه اصلاحات داده پس این همه سستی و خمودی در این جامعه از کجا پیدا شده که مردم این سامان برای احقاق حق مشروع خود بواسطه دارا بودن روح چین نمیتوانند جاب توجه مقامات مربوطه را نمایند مبحثی است خارج از این موضوع در آیه جلب توجه عامه را میناید -

[وطن پور سیاح]

تبدیل لسان

برارباب وقوف و آشنایان صحائف تاریخ واضح و مبرهن است که قطعه آذربایجان از دوره ساسنت ملوک کیان و پادشاهان ساسانی جزء لاینفک یا نقطه حقیقی ایران بوده و اهالی آنجا بالسان فرس قدیم حرف میزدند بزم بعضی اشخاص کوفه بین و اهل غرض که اهالی این قطعه منسوب به قوم ترك بوده است محض غلط و عین خطا است زیرا مسقط الرأس شت زردشت که در عهد شاه کشتاسب در آذربایجان ظهور کرده ابد جای ترك نخواهد بود ساکنین این قطعه عموماً ایرانی الاصل بوده و پس از استیلای عرب تا ورود تركها بکشور ایران بالسان فرس متكلم بودند در تاریخ ششصد و پنجاه و پنج هجری هلاکو خان مغول از رود جیحون گذشته بغداد و اکثر بلاد ایران را مسخر و تبریز را پای تخت قرارداد لسان تركی از آنوقت در آذربایجان جاری گردید و تا پنج سال پیش از این حکمداران ایران جز از سلاطین صفویه بیشتر از نسل ترك بوده اند اگر چه عادات و مرسومات اهالی ایران را قبول و خودشان را پادشاه ایران شمرده و بالسان فرس حرف میزدند لکن از راه تعصب مایت و پیشرفت امور سلطنت شخصی در صدد تبدیل لسان ترك بفرس نبوده و نمیخواستند اهالی آنجا لسان تركی را متروك داشته بازبان فرس متكلم شوند و بلکه عمداً مطلب را بساکنین آنجا بطوری مشته نمودند باستثناء جمیع معدود سایر اهالی خودشان را از نسل ترك میدانند حتی بعضی اشخاص عامی از اهل فرس که از تاریخ قدیم ایران اطلاع نداشته ساکنین آذربایجان را ترك پنداشته و ترك خطاب مینمایند در صورتیکه مطلب این طور نیست اهالی آذربایجان ایرانی الاصل اند و فرضاً اگر هم جمیع قایل از نسل تركها در میان آنها بوده باشد مستمكن هستند و مسئله بطوری مشكوك فيه مانده چنانچه فوقاً معروض گردید اكثر اهالی خود را ترك دانسته و وقت مصالحه نمودن همین مقاله به یقین نكارنده ناچیز فحش خواهند داد كه این بالای ما كه ظهور از كجا پیدا شد میخواهد لسان ما را تغییر داده فرس نماید رژیم لباس و كلاه را تبدیل نمودند حال در صدد تبدیل لسان هستند لیكن بیچاره نمیدانند از روی جهالت شیوه و لسان آباء و رسم مایت خود را از دست داده تا حال در صدد چاره جوئی نبوده بهر صورت از موضوع اصلي خود خارج نشوم و تركهای غمانی از چندین سال بر اینطرف كه پیوسته خیابانه تسخیر این قطعه زرخیز را كشیده و در هسكام قنرت ایران دك طعم شان بجوش آمده بكدور از بعضی از شهر های آذربایجان را بنام

قوم ترك اثنال نموده و در استانیول تركها در این حقوق كشتارانشا داده و آشكارا در محافل رسمی بدین زمزمه مترنم گردیدند كه اهالی آذربایجان از نسل ترك است بهر نحو است باید انها را از مظالم قوم فرس مستخلص نمود و در بین اهالی آذربایجان و منورین تركها درین باب مباحثات واقع بوده در هر بار از طرف آذربایجان ها ادعای شان بشدت رد شده و همه وقت تعصب مایت خودشان را به خرج داده اند و لیكن جای بسی تعجب است تا حال درین خصوص از برادران فرسی بخصوص از ارباب قلم و روزنامهجات طهران و سایر شهر های فرس بوسیله وجه همراهی و قلم فرسائی نشده كه نظر دقت دولت را بیجانب آذربایجان معطوف سازند در صدد تبدیل لسان اهالی آنها آمده در این خصوص چاره عاجل بعمل آورند و هر هفته دیده میشود روزنامهجات مركزی پر است از حوادث غیر مفید ممالك خارجه و تقریقه های قصه هارون الرشید و مامون و داستان شهر بانو كه جز از تولید فساد اخلاق حیوانان ایرانی فایده از آنها مترتب نبوده ولی تبدیل لسان اهالی آذربایجان كه از اهم امورات است چیز نمی نویسند و منظور بنده از غرض این تفصیل نه من باب تاریخ شناسی و خود نمائی و حكایت نویسی است بلی اهمیت مسئله را منظور نموده دامنه كلام را وسعت داده و مخصوصاً از نامه ملی حبل المتین خواهشمندم از طریق مایت پروری كه از جمله صفات مخصوصه ان جناب است لطفاً این معروضات عامیانه بنده را به پیشگاه نظر ارباب وقوف رسانیده و بلكه خود ان جناب طریقه پیشوائی پیش گرفته آنچه بخيال فاصر محرر خطور نكرده با وسعت قریحه طبع و فكر عالی نواقص آن را اكالم فرمایند كه این لكه سیاه از چهره تابناك كشور ایران سترده در صدد تبدیل لسان اهالی آذربایجان كوشیده و نظر دقت دولت را بدان جانب معطوف سازند و بموجب يك قانونی كه از تصویب مجلس شوری بگذرد بمدت مبعین كه مجلس تمین نماید تبدیل لسان حتمی گردد چنانكه تركها در تبدیل حرف تركی به لاتیانی اقدام نموده و از پیش برده اند و اگر کسی بگوید تبدیل لسان ممكن نیست این كلام می غیر قابل قبول است در عالم هر چیز ممكن الحصول و تاج بجدیت است بنا بقول بونا پارت ناپلیون اول كه باید لفظ « نمیشود » را از كتابهای لغت بر انداخت - (م - تقی خوئی مقیم طرايزون)

مناظره نباید كرد

در شماره ۲۹ و ۳۰ جریده حبل المتین صفحه ۲۰ تحت (انتقاد) مطالبی درج بود كه تنقید بالای انتقاد لازم می آید و ما به چند فقره از نكاشرات مزبور اعتراض خود را وارد دانسته ذیلاً مینویسیم

۱ - میگوید حبل المتین وقتی از بلدیة طهران تنقید شروع نمود كه با پول سندیکا برخلاف سرتیب بوذر جهری پروپا كاند میشد بحجواب نویسنده میكرم وظیفه يك روزنامه ملی تنقید از عملیات ناپسند و تشویق از كارهای رضایت بخش است ما سندیکارا نمیشناسیم ولی اینقدر میدانیم

از روزی که بلدی طهران شروع بحراب و ساختمان جدید شهر کرده اغلب در صفحات خبل المتین تذکر یا راهنمایی شده بالاخره تنقید از بعضی از قسمت های عملیات بلدی که تنها نظر خیر خواهانه نویسنده جلوگیری از ناراضی های مردم بوده و این نوشتن ها تمام نخواهد شد تا اصلاحاتی که رضایت جامعه را ایجاد نماید شروع شود

من بحسن نیت شخص بوذرجمهری قائل ولی باز میگویم که برخی کارکنان این مؤسسه دستی تولید بغض مردم را نسبت به بلدی ایجاد مینمایند خوب خبل المتین از طهران دور است ما و شما که هر دو در این شهر زندگی داریم (مهندسين يا معماران بلدی) از ابتدای شروع بعمل ساختمان چقدر ها دستور خراب کردن و بنا نمودن دادند مجدد تغییر نقشه بنظرشان رسیده امر بخراب کردن و تجدید بنا میدهند (آیا این عمل در نظر صاحبان املاک چه نتیجه عاید و از طرفی بار سنگین اجاره خانه و دکان که در اثر همین اقدامات بدوش اکثریت جامعه وارد می شود جز شکوه و ارضایی چیز دیگری بیند؟)

در این قسمت نیش از این می نویسم

۲ - نظمی تاکنون سرتیب کوبال را ندیده و از ایشان سخنی نگفته اگر جریانات نظمی خوب است البته از حسن اداره کردن ایشان باید دانست و اگر بد است اذعان کرد تنها رئیس تشکیلات نظمی عرض شده یاد کارهای سرتیب در گاهی به پست های خود با تبدیل ماموریت محل بر قرار -

چیزی که ایجاد کرد تذکر آن را در این زمینه آنست که فقها در هر موضوع (شهادت عدلین را) قائل می باشند فاسفه آن را ندانسم چه جهت دارد قول و اظهار يك نفر ازان در مقابل اظهارات جمعی نزد رئیس کیسریا سند و سخن عده مسموع واقع نمیشود مگر آنکه بگویم ازان آن قدر مقدس و پاک دامن و بی غرض است که گفته يك نفر ازان مانند شهادت عدلین مسموع است -

۳ - از دستور دادن به خبل المتین که در صفحه اول همیشه يك اخطار درشت نوشته شود که (مقالات وارده نمایند عقیده خبل المتین نیست) از نویسنده محترم محل تعجب است با دادن چنین پیشهادی چه هر مقاله در جراند درج آید مسلم است عقیده صاحب روزنامه نیست مقالاتیکه متماق به مدیر روزنامه میباشد معلوم است -

در خانه جای شکر است که نسبت به انتخابات بلدی طهران نویسنده حق کوئی کرده و برخلاف رژیم دموکراسی دانسته و باز به نویسنده مقاله انتقاد ایقان میدهم اگر عاشق اصلاحات باشیم باید نواقص را بگوئیم و الا با تاسف و چالوسی بارمان بمنزل نخواهد رسید -

اهالی بد بخت کروس

هر نازه واردی با دقت و تعمق بوضیات اداره پست و تلگراف شهری ملاحظه و مدافه نماید از سعی و جدیت کارکنان آن خوشوقت شده و از افتادات وزارت جایزه پست و تلگراف در انتخاب

مامورین خورسند میکرد در واقع پیشرفت و عملیات وزارتخانه امروزه قابل تمجید و ستایشان تقدیر است ولی در قبال این حال به اغلب شهر ها هنوز توجهی نشده از آن جائیکه کروس از هر نعمتی مأیوس و از اصلاحات و ترقیات این عصر خجسته پهلوی محروم است پست و تلگراف آن (مطابق اداره حکومتی) چنانچه از روی حسنگویی و انصاف ملاحظه شده هیچگونه مطابق این دوره و سازوآوران وزارتخانه نمیشد همین قدر پس که دستگاه تلگراف از دفتر اداره به اطاق اندرون افعال داده شده فراش پست و تلگراف به امور دفتری رسیدگی نموده و مطالب تلگرافی فلان تاجر (مسمودی) به اداره امنیه برده پس از استحضار مطلب امنیه تلگراف را عودت داده که راجع به این اداره نیست این اشتباه برای این است که اسم رئیس امنیه مسمود نظام میباشد چندی قبل رئیس تلگراف پس از مکلف شدن از افیون برای تفریح به اداره تیگان تپه اطلاع میدهد زلزله شدیدی در کروس واقع شده و جمعی تلف شده اند غلام که برای امتحان دستگاه آمده بود مطالب را بر رئیس خود اطلاع میدهد رئیس تیگان تپه نیز از کروس مجدداً تحقیق نموده و مشارالیه منکر میشود تا چند روز اهالی تیگان تپه بواسطه این خبر دروغ متوحش بودند

یکی دیگر از عملیات مستحسن کارکنان آن اداره سانسور کردن پاکات است که بمیل خود هر پاکتی را بخواهند باز نموده و برخلاف قانون برای خوش آیند فلان شخص بی عاطفه و خود خواه بهیچوجه چنین مسئولیتی را اهمیت نمیدهند پستی درهفته قبل از همدان وارد شد و پاکات چند نفر (جلیل خان امیران میرزا علی خان مدیر تلفن حسین خان خلواثی) را از پشت باز شده مشاهده میکرد جلیل خان بهتر از سایرین از قضیه باخبر شده عین پاکت را با حضور موزع پست در پاکت دیگر لاک کرده بوزارت پست و تلگراف فرستاده است

یکی دیگر از فجایعیکه در این شهر واقع میشود این است شرحی از اداره عدلیه به نظمی نوشته و تقاضای توقیف بادامستان ملک امیر معزز را (یکی از خوانین و اشراف دودمان استبداد بیجار است که هر روزه حکومت و رئیس نظمی، رئیس صلح، رئیس پست و تلگراف، رئیس معارف شام و چهار در منزل مشارالیه تناول و دکه خوشی درست کرده اند) در مقابل بدی مشارالیه بفاضل عراقی وکیل عدلیه طهران نموده بود از طرف رئیس نظمی امر شد که مستاجر مشارالیه احضار و توقیفنامه از او گرفته حکومت و رئیس نظمی بدکه معروف رفته امیر معزز اظهار میدارد چرا از خود من توقیفنامه را نکرقتید آن ها قبول میدهند که حتماً فردا مراسله را از صاحبیه پس خواهیم گرفت فردای آن روز رئیس نظمی بمقتضی دفتر خود اظهار میدارد مراسله که بصاحبیه نوشته شده باید عوض شود مقصدی جواب میدهد چگونه ممکن است و حال آنکه مراسله مزبور وارد دفتر شده پس از تغییرات شخصاً بصاحبیه رفته مراسله که مره ۲۳۹ مورخه ۲۹ - ۲ - ۹ نوشته

یگذرد طویلی نخواهد کشید که از هستی ساقط و بکلی فنا خواهم شد برای تفرقه خیال دیوانه وار از یک مرتبه از منزل خارج شده از کوچه های کج و معوج حسین آباد گذشته داخل شهر جدید شدم پاسی از شب گذشته عابرین گردش های خود را خانه داده و به منزل های خود مراجعت نموده بودند از خیابان علم گذشته داخل خیابان شاپور شدم از یک طرف منظره ماه - از طرف دیگر چراغ برق که مثل نوری درخشیدند مخصوصاً چراغ چهارراه ها که با ماه رقابت نموده و بمنظره خود افزوده بود وضعیت شهر مرا بخود آورده از خیال گذشته منصرف و با خود کفتم این همان یابان سال گذشته است که احدى يك ساعت بغروب قدرت عبور نداشت اکنون چرا خوانین که همیشه عمر خود را در دهات می گذرانند - بواسطه تشویق و حسن تدبیر يك نفر صاحب منصب وطن دوست شاه پرست در خیابان شاپور عماران بنا نموده به رقابت بکشد بگر میگوشت و چه باعث شده که در مدت قابل دارای این منظره قشنگ شده است این نیست مگر فقط عزم يك نفر سرباز فدا کار که شب و روز راحتی را برای آبادی و عمران مکتبستان و آسایش مردم صرف نموده نظر عمومی را بنظر خصوصی ترجیح داده است پس از تفکرات زیاد کفتم که این همه آوازه ها از شه بود بی اختیار کفتم زنده باد اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی - خیلی صاحب منصب به سیستم آمده بودند یا نخواسته یا توانسته یاد کاری در تاریخ زندگان خود یافته گذارند -

بقلم چنین خطور نمود که باید از عزم يك نفر سرباز سر مشق گرفته با سرنیزه عزم یاس را مغلوب و مشغول کار شد نصف شب بمنزل مراجعت در بیم و امید خوابیدم -

[۱ - ر - ی]

تشرک

روز نامه ستاره جهان که از روز نامجات طراز اول طهران و بقلم مدیر فاضل آقای اعتصام زاده اشاعه می یابد تبریک ذیل را بحبل المتین یتیمی نموده است

(تبریک حبل المتین)

مقام شامخ و محبوبیت بزرگی که نامه مقدس حبل المتین در محیط ایران و در عالم اسلام و مشرق زمین حائز است احتیاجی به توصیف ندارد

اخیراً که احصایه مطبوعات مشرقی از فارسی و ترکی و هندی و عربی و غیره انتشار یافته بقرار تصریح جریده انگلیسی (اسیتیزمن) معلوم گردیده که حبل المتین فارسی در مشرق زمین از همه جرائد کثیرالاتشار تری باشد - کارکنان ستاره جهان این موقعیت عظیم را بحضرت ابوالعلم آقای سید جلال الدین مؤید تبریک گفته و افتخار دارند که بازم مطبوعات فارسی بوسیله کرامی نامه حبل المتین تفوق خود را در مشرق بشیوت رسانیده اند -

شده بود. (در صورتیکه بدقت صالحیه هم وارد شده بود) پس گرفته و مرحله دیگر عمره ۲۴۸ به امیر معزز نوشته که او هم هنوز جوانی نداده است اینک حکومت مستاجر را تحت فشار گرفته که اجازه بادمستان را هشت ساله با قبالة شرعی که اجازه نموده است فسخ نماید در نتیجه این کشمکشها دامان حاج میرزا ابوالشر که معلوم نیست از طبقه اشراف یا مالک یا روحانی است آلوده می نمایند چون دید می تواند مثل زمان سابق رفتار کند - روز ۲۶ خرداد بطور قهر از شهر حرکت نموده و به قریه دولت آباد ملک شخصی می رود عصر همانروز چند نفر به قریه مزبور رفته آقا را توسط اتومبیل (که سواری آن حرام است) به شهر وارد می نمایند قریب ۸۵ نفر سواره تا يك کیلومتری از شهر حاجی آقا را استقبال نمودند این جمعیت بعضی ها خوشحال و بعضی متاثر بودند چند نفر از ادارات که این پرده را تماشا میکردند مدعی اند چنانچه آقا را بشهر عودت بمیدادند کروس تالی سالماس میکردند - رول دیگر که در يك ماه قبل آقا ... درصحنه این شهر دور از تمدن بمعرض تماشا گذارد بهتر از امروز بود به اسم مسافرت عتبات حبه وداع بمنزل علي اشرف خان امیر معزز می رود هم فوری حضور بهم می رسانند جمعیت بطور تضرع و زاری فسخ عزم را از آقا خواستار می شوند علي اشرف خان هم قران را جلو حاجی آقا تنگ نداشته و برا قسم میدهد در این موقعی که کروس در بحران بیچارگی است و از اوضاع این شهر (که خدا رحمت کند شاه شهید چقدر در باره این شهر میگوشت و چه اشخاص را پرورش میداد) در خرابید چیز های کبود کانه نوشته می شود شما می خواهید ما را بی صاحب و بی سرپرست بگذارید حاجی آقا هم محض احترام قران و چشمهای مرطوبی امیر معزز و گردن های کج حاضرین از حرکت را ترك نموده و بمنزل خود می رود آیا این است اصلاح جامعه آه! شهری که سرمایه دارانش مست غفلت و شهوت پرستی اند مردمان بیچارهائی که اوساع رقت افزای آنان از حد و حصر گذشته در محلی که سرتا سر وادی خاموشان و آرامگه مدهوشان است جز خموشی چه می توان کرد جامعه که موج خرافات او امواج خروشان محیط هند و دریای قازم را شرمسار میکند آیا تسلیم در بد تقدیر چاره هست در شصت هزار نفوسی که هیچ وقت از ترقیات کنونی و عظمت دوره برجسته پهلوی و قدرت قشون و اصلاحات روز افزون مملکت و تاثیر ایران امروز در اروپا و انظار خارجی و هزاران چیزهای حسنه دیگر نکرده و بمؤسسات عام النفعه از جراید مدرسه نسیان مرخصخانه فوتبال تنقید بل حرام میدادند چه باید کرد باید در انتخاب مامورین دقت بعمل آید و الا با این وضع بماند تمدن نخواهم رسید پس باید سوخت و ساخت تا دستی از غیب برون آید و برای اهالی کروس کاری بکند -

از سیستم

امشب شبی است که در تاریخ زندگان خود بسی متالم - دفتر بخارم را ملاحظه يك نك از سرمایه ام تلف شده چنانچه بهمین منوال

احوال ملك چون شد - هر روز بد زروزی
از چه - بروی هر کار آمد کسان نادان
در عهد شان چه رخ داد - قفقاز شد مجزی
دیگر چه - رفت از دست - چه - سرزمین افغان
دیگر چه شد - بدادند بر باد خاک ترکن
از بهر چه - برای آسایش تن و جان
از آخرین چه دیدی - بی عاری و سفاهت
چون شد خودش - برانندند از ملك خاورستان

بر جای او که آمد - شاهی بلند همت
نامش چه بد - رضا شه - نسل که - نسل ساسان
کفتی که زنده کردید کی - اردشیر اول
بهر چه - بر راندان بیگانه را ز ایران
کارش چه شد در اول - نظم سپاه دول
از بهر چه - برای آسایش و معیشت
از عهده اش بر آمد - آمد چنانکه خود خواست
از بیخ و بن بر انداخت نین ظلم خانان
دیگر چه کرد آن شه - پس چیز کرد ، این ملك
از همت بلندش کردید چون گلستان
ایرانیان بر آسود - آری - بوی چه کردند
بر شخص او تا کو بر دولتش دعا خوان

تکلیف (آتش) چیست - ارشاد ملك خود
با چه - ز شعر غمرا چون بابل خوش الحان

مرض انفولانزا

(با جنبه های اندرونی)

مدتیست این موضوع سبب حیرت گشته که بطور همه
ساله فقط در فصل زمستان تقریباً بوقت همین این مرض بین مردم شایع
میگردد . علما و معام حیوانات ذره بینی را عقیده این است که در
فصل سرما يك قسم میکروب تولید و بهات نامعلومی زهر آلود و قوی
گشته محل سکنی و پرورش خود را تار و پود اشخاص ضعیف البینه
قرار میدهد و بنابراین دکتر ها آنجکیون ها ، سیرمه ها ، آلات دماغ
شوئی ، ادویجات رفع سرفه ، و مقداری بی شمار گرد ها و محلولات
زهر آگین به اسم وسائل مسکنه طبی اختراع و به مردمان زودباور
داده پول ها از آن ها میگیرند و حال آنکه باز این مرض دستبردار
نیست و همه ساله بهر وقت خود برمیگردد - پس چه باید کرد که این
درد بیدرمان (!) کاملاً رفع و از تجدید شیوع آن جلوگیری کرد؟
من میگویم این میکروب ها سبب عمده مرض انفولانزا نیستند -
بلکه چون همیشه این بلا در فصل زمستان رو آور میگرد و بواسطه
اینکه شکار های این میکروب ها تنها اشخاص ضعیف و کم بینه
هستند باید گفت علت عمده غلبه این حیوانات غیر مرئی بر انسان
ها اضعاف قوای بدن است که مانع از دور ساختن این زهر های
جان دار گشته -

تبریک دیگری که به کارکنان حبل المتین باید بگوئیم مسئله تجدید
مطبوعه و حروف نویسی است که بکار انداخته اند زیرا فی الواقع خواندن
حروف کهنه و شکسته سابق دشوار شده بود - بهر حال ما موفقیت
جمیع عمال مطبوعات شرفی را از صمیم قلوب آرزو مندیم
کارکنان اداره حبل المتین پس از تقدیم تشکر اظهار می دارند اگر
افتخاری هم نصیب حبل المتین شده باشد از حوصله افزائی و قدردانی
حیوانات فاضل ما مانند آقای اعتصام زاده است از خداوند مسلمات
داریم که یش از اینها توفیق خدمت یافته تا به محبوبیت حبل المتین و
برقی اشاعه آن یفزاید

سپهر

در موقع جشن سالانه مشروطیت حبل المتین که یادگار شهدای راه
حریت تذکری داده سلام و درود بروح پرفقوح شهدای ملی گفته
سپهر آ نامی سید شهید مرحوم سید محمد رضا مدیر روز نامه مساوات
که الحق آزادی و مشروطیت ایران تا اندازه رهین امتنان خدمات
ذقیمت آن سید والا شان است از قلم مجو شده و حال آنکه حبل المتین
همراه مرف خدمات آن شهید راه حریت بوده و خدمات او را از
هیچ يك از همقطارانیش کم ندانسته است و از این سپهر بازماندگان
آن شهید راه حریت طاب عفو می نمائیم -

شاهین

جریده هفتگی است که در تبریز بقلم میرزا حبیب الله خان آقا
زاده باسلونی بسیار مرغوب و نافع در چهار صفحه بقطع بزرگ هر
هفته بوقت معینه اشاعه می یابد

این جریده دارای مقالات سیاسی ، اقتصادی ، علمی و همه گونه
اخبارات تجاری و فلاحی است می توان گفت اگر این جریده باین
اسلوب بومیه اشاعه یابد از بهترین جراید طهران با کم نخواهد آورد
از مقالاتیکه در این نامه ملی اشاعه می یابد معلوم میگردد که اهالی
آذربایجان خیلی بوی علاقمندند خوانندگان حبل المتین راست که برای
استفاده از آن با درس ذیل مراجعه نمایند

[تبریز ، خیابان تربیت - اداره جریده شاهین]

وطنیه

ایران چه بود - ویران - از چه - ز نسل خاقان
چون شد - خراب و ویران - ملت چه شد - پریشان
فریادرس نبودی - فی فی - چرا - در این ملك
بودند اهل ایران محروم از نگهبان
فرمانروا که بودی - شاهی ز نسل قاجار
قاجار چه ز ترکن ترکن چه اهل توران
چون شد که شاه گشتند در کشور جم و کی
از راه مکر و حیله و زعجز قوم نادان
افعال شان چه بودی - ظلم و ستم مردم
اعمال شان چه بودی - عیش و طرب ز خوبان

چنانچه ما در هر مورد موافق قوانین مستحسنه طبیعت زندگانی نمائیم دیگر لازم نیست از این حیوانات نالایق ذره بینی برسم - بدن انسان در عالم چنین عضو لطیف و ناقصی نیست که همیشه مستعد غلبه و فقر این قبیل دشمنهای ضعیف و خرد که از شدت خردی قابل دیدن هم نیستند باشد - صحتمندی کامل نعمت موروث ماست (مشروط به اینکه موافق قوانین طبیعت رفتار نمائیم و طبیعت را اجازه دهیم که مجاری و طرق طبیعی خود را به پیماید و هیچوجه از عملیات آن جلوگیری ننمائیم)

لیکن متأسفانه این تمدن ناقص ما بده زیادی از نوع بشر آموخته که در زمستان در منازل گرم و بد هوا مانده موقمی هم که به بیرون رفتن مجبور میگردند تا میتوانند لباس زیاد بپوشند که در نتیجه به آسانی مبتلا گردند بجایشهای اندرونی یعنی اقلوانزا - بعلاوه این قبیل اشخاص به این قسم زندگانی هم (که در هوای کثیف دور از آنچه سبب تقویت صحت بدن میگردد - مثل روشنائی طبیعی و هوای تازه و غیره) اکتفا نموده به خطرهای دیگر نیز تن در میدهند - مثلاً خوراکهای غیر طبیعی میخورند از قبیل نانهای سفید که از کندم بی پوست بمل میآورند، خوراکهایی که از گوشت تهیه میشود، چای، قهوه، مشروبات الکلی دارو - در صورتیکه آنچه مفید است همان نان کندم سفید نکرده، سبزیجات و ترکاری نه پخته میوه جات تازه و از این قبیل چیز هاست

این دو موضوع یعنی هوای محبوس و خوراکهای نامناسب چنان طبیعت را از انجام وظائف باز داشته که نمیتواند ما را از اثرات شوم اقلوانزا مصون و محفوظ بدارد. اگر خوردنیها منحصر میکشت میوه جات تازه، سبزیجات و ترکاری. مان کندم طبیعی یعنی با پوست، نار کیل، گردو، فندق، پسته، بادام، انجور کوچک شیر و از این قبیل چیزهای خوردنی پس میدیدیم که طبیعت به نوبه خود می توانست اطفال خود را از خیلی امراض و دردهای غیر حتمی محافظت نماید، مشروط به اینکه علاوه بر شرایط فوق مام خود را در معرض هوای لطیف و نور خورشید بگذاریم (اما نه در تابستان گرمسیرات) لباس و بدن را پاک نگاه داریم و نیز در ورزشهای بدنی یومیه بقدر لزوم اقدام نمائیم

البته تا چنین تغییرات حیات بخشی در اوضاع زندگانی ما رو نکشاید همیشه در مقابل تاثیرات اقلوانزا و امراض دیگر مغلوب خواهیم ماند - بلی طبیعت نمیتواند ما را از خطر هما حفظ نماید مگر اینکه ما قوانین آن را جداً محترم شماریم و کار بندیم - چنانچه ما در قوانین او مداخلات نامعقولانه روا نداریم او هم بوظیفه خود عمل نموده بدن ما را از خطر ها دور میدارد

و اما چنانچه بالاخره قوای ضد عفونی طبیعت محفوظ نماید و در نتیجه ما مردمان ضعیف و کمینه بمرض اقلوانزا گرفتار آئیم در ابتدا راه معالجه اینست که قوای بدنی را بوسائل مختلفه حتی الامکان تقویت بخشیم تا شاید بتوانیم میکروب های این مرض را بدین ترتیب

یا بسوزانیم یا از خود دور سازیم - در اول شخص مریض را باید در اطایق هوا کبیر در رختخواب گرم نگاه داشت. در این موقع انسان حس می نماید که فوق العاده ضعیف گشته، چهارستون بدن واستخوان پشتش درد میکند، حرارت بدن فوریت بالا میرود و همین قسم میباید تا ساعتیکه طبیعت اگر بتواند زهر را از وی دور سازد

درد ها، سختی ها، و عرق کردن زیاد در اثناء ابتلاء به این مرض آثار این است که بدن زهر آکین گشته طبیعت میکوشد که این زهر ها را معدوم سازد - چنانچه کسی بخواهد در چنین موقمی طبیعت را مدد دهد بایستی پوست بدن، معده، و روده را بکار اندازد و کسانی که اطراف مریض هستند باید از خوردنیها جلوگیری نمایند جز اینکه روزی سه مرتبه هر مرتبه آب یک نارنج را گرفته به او بدهند، و قدری شکر مخصوصی که دکتر ها آن را (کاوزکوز) نامیده اند نیز مفید است. و چنانچه مریض فوق العاده ضعیف باشد مقداری شیر جوشیده بین ساعتیکه آب نارنج به او میدهند نیز داده شود

روژه گرفتن هم در چنین موقمی نیافیده نیست، و گرم کردن استخوان کمر در این وقت سه خاصیت دارد -

(۱) درد را تخفیف می بخشد -

(۲) مسامات جد را باز میکند که کثافات بدن با عرق بیرون آید -

(۳) معده را بکار می اندازد -

در این هنگام سر بخورد شدیدیکه بی دزی عارض میگردد بسبب بسته شدن خون است در مجاری نزدیک مغز و بواسطه جمع شدن خود آن مجاری و اعضای همجوار آنهاست - علاج این سر درد در خنک نگاه داشتن سرمیاشد و در گرم داشتن سانهای پا و خود پا اگر چنین که گفته شد رفتار کردد مرض اقلوانزا زود رفع میگردد و مریض پس از چند روز میتواند متدرجاً شروع نماید بخوردن غذا و خوراک های عادی - [ترجمه - م. ر. هزار]

یکی از راه های مهم

وزارت طرق وشوارع در صدد احداث طریق شوسه بین بندرجزو قرچان برآمده و آقاي میرزا ابوالقاسم شان وثوق رئیس اداره طرق طهران از طرف آنوزارتخانه ماموریت یافته است که راه جدید التاسیس بندرجزو بقوچان را معاینه و وضعیت فعلی راه مزبور را راپورت دهد و پس از انجام این کار از مشهد بدزداب و کرمان مسافرت نموده و تحقیقاتی راجع براهها بنماید و از طریق اصفهان بطهران مراجعت کند

نقشه جنگلهای

از طرف وزارت اقتصاد ملی دو نفر مامور برای مطالعه وضعیت جنگلهای آذر بایجان و غرب و جنوب زمین و اعزام شده که تا ورود متخصص جنگلهای نقشه و طرح جنگلهای صفحات مزبور را تهیه و تنظیم کرده باشند -

از درگاه باری تعالی

(توسط حبل المتین)

(در جواب شیخ میرزا علی جبار محالی)

ای بنده مظلوم و ای ستم رسیده مغموم - ای محروم از حق خود از عدلیه موهوم عربضه ابتدائی و استینافی تورا توسط جبرئیل دریافت نمودم درجه مظلومیت تورا میدانم مظلوم وارده بر تورا می بینم در عدالت من تردیدی نداشته باش من هیچوقت طرفدار ظالمین نیستم یوم الظالم اشد من یوم المظلوم مگر نشیده ای در نزد من فرقی بین غنی و فقیر نیست همه در مقابل من یکسانند ان اگر کمک عندی اتفیکم - من می خواهم اعدال این مخلوق که غرق در خب دنیا و حرص و طمع و آرزو و شهوت شده اند باشا کنم - من عقل را که راه باری حق از باطل است به آن ها دادم می خواهم به بینم آخر بعد از این همه مظلوم و نامه سیاه و شهوت رانی چه می خواهند بکنند آیا بسوی من بازگشت نمیکند آیا در دنیا مادام العمر زنده و همیشه بساط کسرازی آن ها گسترده و جام باده آن ها لبریز است؟ آیا نگاهی به پیشینیان خود نمیکند آیا سلاطین عظیم و امرا و جیسیم و آن ها نیکه کوس لمن الما کی می زدند چه شدند تصور میکنند همیشه در قصور عالیه زنده جاوید هستند - ای بنده من - آیا تصور میکنی مقصود از خلقت بشر همین بود که بجان یکدیگر افتاده و درجه سفاکی و سمیت را مجدداً کمال برسانند و در جنبه حیوانیت و پستی و انکاه بشهوات نفسانی و اذیت سایر بندگان من قدم زنند -

ای بنده من - دنیای من محل امتحان محل عبرت و سنک محک و جای مهمی است امتحان میشوند اشخاص خوب از بد تا بخود آنها نیز ثابت شود

ای بنده من - ابتدا اظهار دل تشکی نکن صدماتی که به تو وارد شده جریان پذیر است باغ و ملک ابدی من به تو میدم تلافی تورا حالا که عدلیه بندگان ما ننمود در کشف عدالت من میشود و من بعمل متقال ذره شریه

ای بنده من - از این میز به آن میز از این اطاق به آن اطاق که تورا میردند میدیدم مدارک مظلومیت تورا میدانم همه بر حق بود فقط حق در حجب خود نداشتی حق بر زبان هم فائده نداشت مدارک غضب همین بس که لطفعلی از بازفت جنگل آمد و همه چهار محال و کمره را تصاحب کرد

ای بنده من - من هم درد دلم از دست این امت محمد باز شده و متعجبم که کل و خیره اینها را جبرئیل از کجا آورده و سرشته تصور میکنم از میدان کهنه اصفهان و محله جوباره آورده باشد چون بتدکان و قومی به این مقامی و منفعت طلبی و خست و لثامت و دزد و شارلاتان من خلق نکرده ام همان روز که جبرئیل پدر اینها را درست کرد و فوراً بلا تامل نا فرمانی و دزدی نمود من میدانسم که اولاد او صد درجه دزد تر میشوند - محمد فرستاده ما هم اینها را خوب شناخته بود که همیشه از ما طلب عفو و بخشش آنها را می نمود و میگفت

امتی امتی بکس از امت عیسی هیچ طلب منفردی نشد چون میدانست چه امتی دارد که احتیاجات خود را بکار و شغل و صنعت بر طرف و هیچ خود را محتاج بمن نمی بیند و خدمات بزرگ آنها بجای آنکه اسباب رضایت من از آنها گردیده من وقتیکه عیال این دو مخلوق خود را در نظر میکنم تعجب میکنم علمای یکی می خواهند پرواز کرده به آسمانهای من برسند و دیگری در اقیانوسهای حیض و نفاس غرق شده

ای بنده من - از بعض آخوند های ناخوانده که خود را ممتاز ترین بنده کان ما میدانند شکایت داشتم صحیح است بدان که منفور ترین بندگان ما همین ها در نزد ما هستند من تعجب میکنم اینها از کجا خود را باین بزرگو هیکل عجایب المخلوقات ساخته اند که هزار کار خلاف انصاف و مروت و بی دینی میکنند و خود را نزدیک بمن هم میدانند در صورتیکه من از آدم تیل تن پرور عیاش مال مردم خور دزد بدم می آید چیز هائی آورده اند و به اسم من رواج داده اند که جبرئیل من هم خبر ندارد من کی گفتم در اقیانوس حیض و نفاس غرق شوید چهار کلمه من کی گفته ام راجع بحیض و لا تقربوا هن حتی یظهرون حالا چه همین چهار کلمه هزار مزخرف بهم بافته اند و کتابها در این خصوص نوشته اند - من کی گفتم مد ولا الظالمین را سه ساعت بکشید و مال وقف و تیم و فقیر را به اسم قیم بخورید من کی گفتم لباس خود را این قدر دراز کنید من کی گفتم ریش را که علامت حماقت است این قدر بلند کنید من کی گفتم اصول شهوت رانی را این قدر رواج بدهید که باز غسل حمام که آب از سر هر موئی بچکد مایکی خلق شده و تا روز قیامت استغفار برای شهوت رانی فلان کردن گفت شما باید مگر من یا ملائکه من بی کارند بد بختی آنان اینجاست که هر کاری هم میکنند میگویند خدا گفته و اسم مرا هم بدنام می نمایند

ای بنده من - از دست عدلیه و قاضی آن عمده شکایت تو بود من خودم میدانم و او را هم می شناسم این شخص مدت ها شپش میکشید در عدلیه داوری قاضی بندگان من شد - من خود میدانم خوب هم در این طایفه پیدا نمی شود نهایت آب نمی ریزد و الا همه شوکر قابلی هستند و از کرسنکی همه زاهد و پارسا شده اند در اندک مدت دارای مالغی ثروت از قبیل همین مراقبات امانال تو گردید چنانچه هزار و چهار صد تومان قالیچه ابریشمی از میرزا عبدالباقی کاشانچی کوچه باقلا فروشها محله پا قلعه اصفهان خرید چند دکان سه مسوده خودم دستوراتیکه بفصلان نوری جهت تحقیق محلی میداد میشنیدم می گفت میروید در خانه فحلی خان پسر امیر مخم و از آنجا خارج میشوید چند نفری دستور داده ام ایشان حاضر نمایند که صورت ظاهر درست شود اسماء آنها را نوشته یابید من دیگر کار را تمام می کنم چه دانسته ام از میرزا علی چون چیزی ندارد و چیزی هم نمیدهد هیچ استفاده نمیتوان کرد هر کس چاق تر است او را باید گرفت همین قدر که برکشید من کاک این پیر مرد را می کنم که هر روزه مزاحم ما نشود و بقیه هم وقتیکه مایوس شد دق کرده و میبرد آنوقت هم کسی نیست صدایش در آید ما در عدلیه نیامدیم نماز و روزه

مخود را درست کنیم باید فکر آتیه خود باشیم همیشه هم شاید عدلیه برای ما این قسم بماند هر کسی چار روزه نوبت او است ای بنده من - فلان آیه الله دروغی اصفهان هم کمتر از قاضی درباره تو نکرد بواسطه خوردن اموال موقوفه رکن الملک با ملا عبدالمحمود و کیل امیر مخفم و وجوهات بریبه که امیر مخفم برای او فرستاد و یکسال توراً معطل کرد و چهار من روغن هم که جهت او فرستادی که بینی رشوه می خورد یا خیر روغن ها را هم گرفت و خورد و سیل خود را هم چرب نمود - تعجب است که این بندگان من هم هر چه بخورند سیر میشوند و می هل من مزید می گویند بخصوص آخوند های ناخوانده -

ای بنده من - من از اینکه جواب مراسله توراً داده و بعضی حقایق را گفتم تعجب نیست که مرا هم پای میز محاکمه دعوت کنند آنوقت چه بکنم اگر حاضر شوم چگونه حاضر شوم اگر نروم ورقه جاب میفرستد و توسط نظایه یا امضیه در موتور نشانده و تحت الحفظ میبرند و تا یایم ثابت کنم که من فوق همه چیز و مسئول نیستم و خدای شما و خالق و پروردگار و آفریننده همه هستم فوراً قضات باطابق شور رفته و ۲۰ دقیقه بعد حکم محکومیت صادر می شود و چون آن و این جهت خوردن مال مردم اتحاد کرده اند درحاشیه مینویسند صحیح است ولی خوشوقت از اینکه تحقیق علی نمیتواند بکنند و راهی بداخله مملکت من ندارند فقط خودم محض احترام قانون اگر حاضر شوم گیر می افتم -

ای بنده من - از لطفعلی هم شکایت داشتی ظلمی که بتو کرده در نزد مظالم دیگرش چیزی نیست حکایت قبر کار و زن آب بی چاره که قدری خوشگل بود و حبس نمودن قبر و هفت نفر فراش آمدن و زن او را بردن و چیز های دیگر که من شرم می آید و هزاران قتل نفس و بریدن بینی سهراب و قتل نظامیان و ضبط املاک کرده و پاچه لك وغیره وغیره فراموش نشدنی است

این احقر را تصور میکند بدو رکعت نماز و دولا راست شد و بستن پوز خود را دوازده ساعت من از همه این مظالم صرف نظر میکنم بجلال خودم قسم است چنان تنبیهی از اینها بکنم که عبرت همه شود ای بنده من - اگر چه با دلی پر مح و غصه بسوی من آمدی و درد دلت را در دنیا کسی دوا نه بخشود بحق خودم که باغ ها در اعلی علین بتو میدهم و قصاص تو را من از لطفعلی و قاضی و آن آخوند ناخوانده می گیرم و آن ها را هم در دنیا و هم در آخرت رسرای عام و بذاب الم بخاند میبایم تا بدانند که اینجا عدلیه داوری نیست عدلیه داوری است و ربی و عمامه و عبا و ردا و تقدسات ظاهری در نزد من قیمتی ندارد.

اما اینکه مرا هم تذکر داده که اگر بزودی فکری نکنم تمام احکام را نقض میبایند و اگر جبرئیل را هم با آن خوشکلی بفرستم میگیند تو پشم دارد، خودم میدانم دیگر احکامی برای من باقی نمانده همه نقش شدند يك قسمت را آخوند ها خراب کردند بقیه را هم

داور خانه داد این قدر قوانین داور وضع کرده که صحف داور از مصحف من بیشتر شده احکام من مختصر و مفید و همین باعث اعجاز کلام من است ولی آیات داوری که توسط قرا. آنتی عشر مجلس (کسیون عدلیه) یا غالباً توسط قراء مائه و ثلاثین و سته نفر ثبت و تثیت می شود بقدری زیاد است که من هم دست و پای خود را کم کرده و غالباً آنها را هم فراموش کرده ام برای او کاری ندارد هر کجا مشکل شد شب قانون وضع میشود صبح به کسیون میرو و ظهر از مطبعه مجلس پیرن می آید بابا این ملت مطیع این گوسفندان خدا هان دیدن يك نفر امنیه یا ازان برای او کافی است دیگر بار بار قانون نمی خواهد بکش بسوزان تاراج کن به تیغما بر باری درباره دزد چهار کلمه مختصر مفید گفته ام برای قتل مجان بهانه لازم نیست السارق والسارقه فاقطوا ایدیها دیگر فرق بین غنی و فقیر وزیر و وکیل نگذاشته ام همه را مساوی دانسته ام داور چندین رقم قانون برای دزد وضع کرده آفتابه دزد يك رقم طناب دزد يك رقم مختاس يك قسم سارق با اسلحه يك قسم بی اسلحه طور دیگر سارق يك شهر يك قسم يك مملکت يك قسم وزیر دزد تشریفاتی دارد که با احترام باید با او حرف زد وکیل مجلس بکلی با او نمی شود طرف شد و مادام العمر از هر تعرضی مصون است و از هزار نفر وزیر دزد شاید یکی بعد از قرن ها به تله یفتد ولی بی چاره آفتابه دزد - هر چه اعیان تر شد مجازات یا بکلی ندارد یا خیلی خیلی مختصر است باز در خصوص جنحه و جنایات چهار کلمه من یشر نگفته ام السن بالسن والجروح قصاص حالا به بنید چندین رقم قانون زمینی وضع شده اولاً قتل را بر داشته اند و آمده اند حبس معین کرده اند آسم چند رقم حبس با اعمال شاقه حبس منفرد حبس تار يك حبس روئین حبس تکدیری حبس تادیبی آسم بچه تشریفات مثلاً يك رئیس استئناف که چهار صد و پنجاه تومان حقوق میکیرد با سه چهار نفر عضو که دو بست و سیصد حقوق میگیرند بعد از سالی دو سه جلسه میکنند و یکی از این حکمهای غیر ما انزل الله را میدهند که در واقع هر حکم در حدود هشت و نه هزار تومان بخت تمام میشود و قس علی هذا سایر قانون ها را من بطور کلی دستوراتی به محمد پیغمبر خودم دادم که در خصوص خلاف نظم و انتظام و جنحه هرگاه کسی رفتار نمود مجازات مخصوص معین نقدی یا دنی نشود ولی قوانین داور برای مختصر کاری که گاهی هم ارتکاب آن ممکن است از روی اضطرار باشد و من در این مواقع اجازه يك دفعه را داده ام و من اضطر غیر باع و لا عاد فلا انهم علیه پنج سال و شش سال و پانزده سال حبس معین کرده اند در صورتیکه يك عائله را بکلی نابود میکنند و اگر این حکم را درباره خودشان کسی بنماید چه حالی دارند که در واقع مستحق همین حکم هم هستند

ای بنده من - من راستی از قانون های داور فکری هستم چه کنم داور از اسماء مختصه من است سجل احوال نمدام بچه حبه به داور داد فعلاً با این ترتیب من مجبورم از این اسم استغنا بدم و

به اداره سجل هم اطلاع میدهم که دیگر مرا به این اسم نخوانند و خطاب نمایند تا عاقبت روز داوری من هم میرسد من هم داوری خواهم نمود تا بداند داوری کی است

ای بنده من - طوبی بکشده که همه بسمت من باز گشت میکنند دیگر دسته بندی و پارتی بازی دشوار است یوم یفر المره من اخیه و صاحبه و بنیه روزی است که باید با قاب سالم با دوسیه اعمال سفید بسوی من آیند آرزو خواهند نمود که ای کاش رحمت به دنیا میکردیم تا بدانیم چه کنیم فائده برای شان مترتب نخواهد شد ای بنده من - همین پولها نیکه محققین گرفتند و خوردند و حق تو را باطل کردند آن ها را داغ کرده و بر پشت آن ها میگذارم و خطاب میشود ذوق ما اکتسبیم لا تقسکم

ای بنده من - اینکه می بینی من بیشتر شاهد بزبان عربی از کلام خود می آیدم چون این بندگان من زبان دیگری را نمیدانند فقط به عربی آشنا و بکلمات عربی و جمل اخبار عربی بندگان مرا لخت میکنند من هم با آنها بهمان زبان تکلم میکنم و دلیل و شاهد می آورم ای بنده من - من هم اگر چه درد دلم خیلی است ولی صفحات حبل المتین هم بیش از این کنجایش درج ندارد -

[امضا - خدای آسمان ها]

الفبای جدید

تغییر حرف و اتخاذ تجدید در نوشتن و خواندن به بعضی از ممالک که ظاهراً نمونه ترقیات و پیشرفت معارفی اثرات افکار روشن حساب میروند، میتوان متأثر و غلبه سیاسی و عملی مال مقتدرش خواند که این نیز در میان مسائل راسخه سیاسی بوجه اهمی موجود و بوقت یکی از عوامل بزرگ و وسائل قوای در پیشرفت مقاصد عمده ضمن نکات بانکی و اقتدارات سیاسی می باشد که دائماً طرف توجه و تمییز سیاستمدان و بزرگان معالیم قرار و مقتضای وقت و نسبت قوه چه در تحت تأثیرات تمدن و چه فشار و تجری در ارتقاء و انحطاط برده است

سقوط مدنی و خرابی کتب خانه های ایران بر اثر انحطاط قدرت و استبداد حکومتی بزمان های مختلف با دست اجانب و تغییر حرف در ممالک جم پس از استیلای عرب بدور اخیر از موالید همین سیاست محسوب نقائص و قوتور غیر قابل جبران تشکیلات يك مملکت مدنی در نتیجه حمله تجری مخالفین وقت بعنوان تبلیغ مذهب که يك وسیله محکم و بدست نا آشنا و در تحت اراده و امر افکار تاریک و از یادگاری های قند و لجاحت بشمار سکنه های پی در پی در اخلاص يك عالم مدنی و تبدیل آن به بدوله وحشت و تندی از قضایای فراموش نشدنی و اسباب نزلزل معرفت و بطبی جریان امور معارفی و طرز تعلم و تدریس ضمن همین مسائل قرار میگردد.

توسیع حدود اقتدارات سیاسی و مدنی ممالک و قوای مال ضعیف و کم مایه را در تحت تأثیرات و نفوذ خود قرار و اقوام ناچار از تابعیت سیاست و ادیان متقدمین و تطبیق زندگی و امید پیشرفت بالاخره ضیاع از اراده و افکار غیر روشن و قرار در سکونت و آرامش میل و بی میل پیرو و اعوان اخیر گردیده اند و البته بر حسب

مقتضیات زمان و جهات مختلف نمیشود این تجدید و تغییرات اخیر را میان ملل متنوعه بی نفع هم پنداشت فقط دقت اساس مسئله و استحضار از چگونگی تأثیرات آن میان مردم و سنجش میزان علائق و ارتباط آن با مصالح اجتماعی لازم می آید چه اصلاً ضرورتی که دامن گیر بعضی ها شده چندان ربط قوی با وضع حاضر و سابقه مدنی ما ندارد و باید دانست که تاریخ و آثار مدنی ایران با وجود فقدان وسائل و دشواری مسئله دائماً طرف تحقیق و اکتشاف متدین و علما قرار می شود گفت که بدان وضع براه می باشد و ما بی نیاز از بعضی نظامات و تعجیل در این چنین مسائل که محتاج اطلاعات کافی و مطالعات دقیقه طولانی است می باشیم تا تازه گرفتار يك سلسله متاعب و صدمات و بطی جریان امور و کم کاری نگردیم

از طرف دیگر علائق اجتماعی و مقتضیات عصر و استقبال در نزدیکی عوالم مدنی مستلزم قسمتی از تغییرات و تجدیدی در وضع عادی و گذشته می باشد که هر صورت تأمین وسائل لازمه در تسریع و پیشرفت و کامیابی و ایجاد روابط مستقیم مابین ملل و نخل از مسائلی است که نمی توان خود را آزاد و بی احتیاج پنداشت، فقط مقایسه و تطبیق این چنین مسائل با مقتضای وقت و محیط و عادات ملی یکی از نکات عمده و نازکی است که ایجاب غور و تفکر دقیقی را نموده و يك وظیفه مهمی برای وزارت جنبه معارف تشکیل میدهد که با در نظر داشتن مسائل مذکور توجه درظرافت و شیرین زبان شیرین بیان فارسی ضمن تهیه و تنظیم الفباء و انشاء جدید لازم می آید که به يك شکل مطلوب و کار آیندی صورت گیرد و البته تدفیق در طرز الفباء های جدید تهیه شده ضرور و مورد استفاده خواهد بود

با اتمام مقدمات و تهیه و تصویب الفباء توجه عمل آوردن تعلیمات عمومی مملکتی و وضع مواد جدیدی در پروگرام مدارس برای فرا گرفتن حروف تازه بدوره تحصیلات ابتدائی و متوسطه که کتر از ده دوازده سال نخواهد بود نوشتن و خواندن با حروف جدید به طور ساده و سهل و عملی کردن آن بدون معروضیت مانعی میسر خواهد بود و البته محصلین و دانشکدان الفباء جدید حق تقدم در وظائف اجتماعی و خدمات مملکتی بر سایرین خواهند داشت

ترویج و عمل الفباء جدید با مراعات شرایط لازمه متضمن يك سلسله منافع در تسهیل وظائف تعلیم و تربیت و پیشرفت معارف مملکتی و باسواد شدن مردم و ایجاد روابط میان ملل بوضع آسانی که البته زبان فارسی را موجب ترقیات زیاد و تکثیر مایل علاقه مندان به تحصیل زبان شیرین و تشنگ فارسی شده علاوه بر این ها يك نفع عمده و اهمی در اخلاق و روحیات ملت پس از افادگی های مدنی و ترك عنفیات ملی و کفرتاری بعضی موهومات و روایات بی مغز و مایه خواهد بخشید آن هم بر طرف شدن کتب و اوراق کهنه مخرب افکار و عادات عمومی که بطور داستان و روایات و اخبار بوضع حساب آیندی متراکم و سبب انحطاط اخلاقی و تکسینل روحیات ملی گردیده می باشد چرن البته تألیفات و مطبوعات جدید تحت نظر اولیای معارف بمقتضای عصر و احتیاج و منافع مملکتی مفید و يك وضع تازه و منظم تری بر قرار خواهد گردید.

[از استانبول - جواد پیشه ور]

رهنبر زبان فارسی

مؤلف این رساله مختصر مفید برادر کوچک دین شاه فریدون جی ملا است که مشارالیه سابقاً عضو مجلس تقنینیه اداره اجرائیه حکومت هندوستان بوده و پاره ای کتب فارسی را برای استفاده بعضی از متعلمین مدرسه متوسطه القسطنی ترجمه کرده است آقای مانک جی ملا یکی از پارسیان صیبی است که ایران را وطن خود می‌شمارد و سه بار بایران مسافرت نموده چنانچه پارسال را درستان مولد زال یل و رستم کرد بسر برده در اثناء دو سال اقامت در یزد وظیفه تبایخ برای دین زردشت را نیز عهده دار بوده است بطوری که مؤلف اظهار می دارد ندانستن زبان بزرگترین مانعی است که موجب محرومیت اشخاص از مسافرت بایران شده است مقصود از تدوین این مختصر رساله رفع این اشکال است و البته تا اندازه ای رفع اشکال تواند نمود این رساله جوهر لغاتی است که در ایران معمولاً گفتگو میشود و دارای سی صد جمله ایست که فوق العاده طرف احتیاج مترددین بمکتب ایران است و اصول صرف و نحو فارسی را در هفت صفحه بیان نموده با مقایسه با سایر کتبی که در این فن نوشته شده مزیت این کتاب در قبال پریشانی و عدم انتظام سایر کتب معلوم خواهد شد غرض از بیانات فوق این نیست که بگوئیم آموزنده این کتاب بالا ترین مقامی را در ادبیات فارسی احراز می نماید فقط میتوان گفت که عده جملات و کلمات را یاد میگیرد که دیلمه داران دارالفنون از دانستن آن بی بهره اند چه دانشمندان با ذکاوت دارالفنون کتب منتخبه فارسی را بطوری ترتیب داده اند که متعلمین مدارس متوسطه از قدرت بر تلفظ آن عاجز اند چه رسد که بتوانند معانی آن را بفهمند و غالب آنان از عهده خواندن روز نامه های فارسی و محاوره با ایرانیان قصور کلی دارند موافق این کتاب زحمانی منحل شده و تلفظ کلمات فارسی را بزبان کجراتی نیز درج نموده است رئیس بانک شاهنشاهی ایران در تعریف این کتاب میگوید این کتاب برای اروپائیهما در مکالمه بفارسی بزرگترین کمکی است -

بدیهی است اقامت طولانی مؤلف در ایران صحت و اتمام مندرجات کتاب را بطور رضایت بخش تضمین و تأمین نموده است -

سرعت ایصال پست

(نقل از جریده عصر جدید - منظمه طهران)

در ضمن مکتوبیکه آقای مدیر محترم روز نامه هفتگی اوقات بما نوشته يك جمله بر خوردیم که برای منظور خود خلاصه میکنیم مشارالیه مینویسد ، یکی از کارکنان اداره کمرک و پست ایران موسوم بمیسو (فابری) که حالیه هم در کمرک ایران کاری کند ایامی که مرخصی گرفته و فرنک رفته بود پس از مراجعت برای من نقل مکرو و از خجالت لبخند میزد -

او میگفت روزی پست خانه پاریس رجوع و خواستم اظهار لحنیه ای کرده و خود را مطلع از اوضاع پست قلم بدهم ، چون در ایران پست برای هر ستمتی در ایام معین حرکت می کند از متصدی کبسه پستی پرسیدم « پست روسیه کی حرکت می کند ؟ » در مرتبه اول جوابی نداد و من تعجب کرده شوال خود را تکرار نمودم باکل تعجب بن نگاه کرده گفت [هر پانزده دقیقه]

مقدمات این مکتوب تذکر ایام گذشته بود که پست ایران در دوره بلژیکی ها هیچ روز تعطیل نداشت و ایام قتل سه کانه در سال را هم فقط نصف روز تعطیل می نمودند و حالیه علاوه بر تعطیل بعد از ظهر با تعطیلات عمومی هم همه جا همراه و اعیاد کوچک با قتل های (بقولی) را هم تعطیل می کنند

نویسنده قطعاً بیخبر بود از اینکه در ایام و اوقات افتتاح هم پست طهران تمام حیثیت و اعتماد پستی را از دست داده و نه تنها پست ولایات را هم پانزده دقیقه حرکت نمیدهد بلکه پست های شهری را هم بعد از پانزده ساعت میسراند

عصر حدید همیشه ظهر جمعه ها حاضر و غایب شده در صندوق پست ریخته می شود ولی مجلات خیابان ناصریه که مسافتش با پسته خانه از دوست الی هزار قدم است زود تر از ۴ و ۵ بعد از ظهر شنبه یعنی بعد از ۳۰ ساعت و مجلات محلات دور دست زود تر از صبح بکشنه یعنی پیش از چهل و پنج ساعت بدست صاحبش می رسد ما يك مدتی بنا بتوصیه اداره تقشیش کل پست شکایات واصله را مستقیماً اطلاع می دادیم ولی بعد از یکماه فقط جوابی بمانی دادند که مراسله بیجواب مانده باشد و الا در جریانات تعمیری داده نمیشد و تعمیری هم داده نشده

بدیهی است نه اوقات ما اجازه می دهد که برای هر شاکی يك مراسله نوشته و نه حاضرم وقتی یک نفر مشترک ساکن خیابان ناصریه ظهر شنبه با رجوع و عدم وصول مجله را اطلاع و مجله خواست باو نداد و حفظ حیثیت خود را بنائیم و البته این خساراتی است که متوجه ما می شود

در اینصورت اگر برخلاف توصیه اداره تقشیش کل پست این مرتبه برای استحضار شخص آقای وزیر پست و تلگراف موضوع را میسوطر در مجله طرح می کنیم مقصودی جز توجه مخصوص آقای وزیر پست و تلگراف نداشته و امیدواریم آن مقام محترم این اداره مهم (پست شهری) را يك شعبه کوچک نشاخته و بامید خدا نسیارند -

حبل المتین

وقتیکه وضع پست مرکز چنین باشد پستخانیجات ولایات دور دست چه حال دارند لازم بذکر نیست هر پسته ایران که با اداره میرسد يك حصه از مراسلاتش راجع به بدنظنی پستخانیجات است چون آقای وزیر پست از میلیون استعاض داده و محبوب حبل المتین

- ۵ - پانصد هزار تومان جهت ساختمان خیابان ها بر طبق اصول جدید پیش بینی شده است
- ۶ - یکصد هزار تومان جهت شروع به ساختمان مجاری تحت الارضی شهر پیش بینی شده است
- ۷ - ساختمان چند باب سول در دارالمجانین که برای آن بیست هزار تومان پیش بینی شده است
- ۸ - توسعه محل دارالمجانین که بیست هزار تومان برای آن در نظر گرفته شده است
- ۹ - تکمیل ساختمان مریضخانه دارالمجانین بمبلغ ۲۰ هزار تومان
- ۱۰ - تکمیل ابنیه مریضخانه بلدی ۵۰ هزار تومان
- ۱۱ - ساختمان مریضخانه جهت مسلولین با ۵۰ تخت خواب بمبلغ ۳۰ هزار تومان
- ۱۲ - ساختمان زایشگاه بلدی بیست هزار تومان
- ۱۳ - ساختمان دارالرضاء بلدی سی هزار تومان
- ۱۴ - تکمیل ابنیه دارالمجزه بمبلغ ۳۶ هزار تومان
- ۱۵ - تکمیل ساختمان ها و ابنیه دارالایام ۵۰ هزار تومان
- ۱۶ - تریه حمام امراض جنائی و کچلی و بنای مؤسسه ربون ایکس ۳۰ هزار تومان
- ۱۷ - ساختمان چهار محل در چهار نقطه شهر جهت نصب اتو و (ماشین ضد عفونی)
- ۱۸ - ساختمان مریضخانه امراض مقاربتی که دارای ۱۰۰ تخت خواب باشد بمبلغ ۵۰ هزار تومان
- ۱۹ - ساختمان مستراح های عمومی در نقاط مختلفه شهر که ۵۰ هزار تومان برای آن پیش بینی شده است
- ۲۰ - بنا و تهیه چهار میدان جهت ارزاق عمومی که مبلغ یکصد و بیست هزار تومان اعتبار برای ساختمان آن پیش بینی شده است
- ۲۱ - تهیه ۱۰ باب رختشویی خانه در نقاط مختلفه شهر مطابق اصول جدید که پنجاه هزار تومان برای آن در نظر گرفته شده است
- ۲۲ - تکمیل اثاثیه و لوازم مدرسه بلدی بالغ ۵ هزار تومان
- ۲۳ - تهیه ده دستگاه ساعت جهت نصب در معابر عمومی بانضمام خرج بنا و ساختمان بمبلغ ده هزار تومان
- مسلم است که پروگرام فوق بطریق الام قیاس و به تناسب عزایدی که تهیه شده بموقع اجرا گذارده خواهد شد -

اقتباسات

تعمیق قاجاق طلا

در بندر پهلوی بعضی از تجار بدستاری دو نفر از اعضاء گمرک مقدار زیادی طلا که از قرار مذکور متجاوز از بیصد هزار تومان می شود بطور قاجاق بخارج صادر کرده اند - موضوع تحت تعقیب قرار گرفته در نفع عضو گمرک مزبور که از ارامنه می باشند دستگیر و تحت استیطاق اند -

اند خلی کوشش نمودیم که در خرابی اوضاع پستخانجات ایران در دوره ایشان چیزی توپسیم ولی چون اداره پست مبتلا به عموم است و بمحقق عامه برمیخورد مرکز وزارت پناهی اجازه نخواهند داد که تا ایندرجه موزت نقرت وعدم اعتماد عموم واقع گردد ما فقط اشاره به مراسله می نمایم یکی از قزوین است شخصی مینویسد که رئیس پست قزوین میگوید که حبل المتین مجبور است که یک شماره مجانی بنام روسای پستخانجات هر جا بفرستد ورنه روسای پستخانه اختیار خواهند داشت که استیفای حق خود را از اخبار سایر مشترکین بنمایند - از آبادان مشترکین حبل المتین فریادشان به آسمان رسیده که حبل المتین در محرم و اهواز و سایر نقاط خوزستان بمشترکین میرسد ولی پست خانه آبادان که کویا از طرف کپانی موظف است با رئیس نظمی محل دست بدست بکشد بگر داده یا نمیکذارند حبل المتین توزیع شود و یا اگر احیاناً توزیع شد ازان فرستاده جمع می نمایند سوم از بندر کناوه چند فرسخی بوشهر مشترکین مینویسند که پستی کویا نوکر رئیس اداره نفت است تا وقتی که اجازه ایشان نباشد حبل المتین را بمشترکین توزیع نمیکند

حالا از روی وجدان سؤال می کنیم که در عهد فرخنده پهلوی پست خانه که پیش از جمیع ادارات دولتی مبتلا به عموم است و از جمیع ادارات باید بیشتر اعتماد مردم را جلب نماید چنین حرکات شائسته و زبینه است؟ نظمی فلان ولایت چه اختیار دارد که دخالت در امر پست خانه کند اینها نیست مگر استیغنی عنصر روسای پست خانه جات ولایات اما دعوی رئیس پست خانه قزوین - اداره حبل المتین اگر روسای پست خانه جات تعهد کنند که اخبار مشترکین را بوقت خود برسانند این جریمه را هم تحمل تواند کرد ولی مشکل اینجاست که در بعضی از ولایات عده اعضاء پست خانه که همه ماشاء الله اخبار خوان اند برعهده مشترکین حبل المتین قزوین دارد از اینست که دیده شده اخبار نقاط دیگر هم باعضاء همان پست خانه توزیع میشود - بهر حال این اوضاع شرب الیهود پست خانجات ایران منافی است بانترقیات عصر فرخنده پهلوی امید داریم که وزارت پست پیش از پیش توجه مخصوص در جلب اعتماد مردم باین اداره بنماید -

* * *

پروگرام اندیشه طهران

(برای سال ۱۹۱۰)

- ۱ - ۶۰۰ نفر بر عده احتساب افزوده خواهد شد
- ۲ - دوپست چرخ برای حمل زباله به چرخهای فعلی که دوپست دستگاه است اضافه میشود
- ۳ - روشنائی شهر تا صبح خواهد بود
- ۴ - پانصد هزار تومان برای تهیه مقدمات لوازه کشی شهر پیش بینی شده است

قاجاق طلا

گرچی نام مصری چندی در همدان بتوان تجارت و داد و ستد مقداری لبره عثمانی و مسکوک طلا بطور قاجاق پخارجه صادر کرده است. اخیراً شخص مزبور مظنون واقع شده مورد تعقیب می باشد.

کشف معادن طلا و غیره در خراسان

در نتیجه تحقیقاتی که از مدت ها قبل و مخصوصاً اخیراً از طرف متخصصین بعمل آمده است در نقاط مختلفه خراسان و اراضی کوهستانی آن معادن زیادی از قبیل معادن طلا - نقره - مس - تنکار - سرب - طاق - پنبه کوهی و انواع احجار کبریمه و غالب املاح وجود دارد.

اخیراً از غالب این معادن توسط بعضی اشخاصی که سر رشته از معدن شناسی دارند استخراج و توسط آقای اسدی نائب التولیه آستان رضوی به مرکز ارسال و بنظر مقامات عالیه رسیده توسط وزارت اقتصاد ملی نمونه های مزبور تجزیه و مشاهده شده است که تشخیص استخراج کتنه صحیح بوده و معادن مزبور قابل استفاده اند و در صورتی که اقدام به استخراج آن شود نفع کلی عاید خواهد داشت موضوع معادن مزبور و راپرت های مطالعاتی که اخیراً در این خصوص شده فعلاً مورد مطالعه است که تصمیمی اتخاذ گردد.

پل سفید رود

در این موقع که پایه های پل بتونی سفید رود واقعه بین رشت و لاهیجان تکمیل و ساختمانش خاتمه یافته است چون در حدود یکماه و نیم باید پایه ها بحال خود گذاشته شود که بقدر کفایت نشست نماید و در آیه برای طاقهای پل هیچگونه خطر و نقصی در پیش نباشد لذا مسیو پاسره مهندس متصدی ساختمان پل از طرف وزارت طرق و شوارع موقتاً بمركز احضار و مقرر گردیده است که کمیسیونی از متخصصین فنی در وزارتخانه تشکیل و باحضور مسیو پاسره بعملیات گذشته ساختمان پل مزبور رسیدگی و همچنین نظریات خود را در باب ادامه ساختمان را پرت دهند تا تصمیم مقتضی اتخاذ و دستور لازم صادر گردد.

اطلاعات خصوصی ما راجع به خبر فوق غیر از آنست و برای پایه هایی که تا کنون کار گذارده اند بیش از آنچه که قبلاً بر آورد شده بود خرج شده است یعنی تا کنون قریب به پنجاه هزار تومان خرج شده و هنوز پل تا تمام است و به علاوه از نظر فنی نیز عملیات پاسره مهندس مذکور ناقص بوده و چندی قبل از طرف وزارت طرق سه نفر از مهندسین آقایان میکده مظالمیان پرورسکی مامور معاینه و تحقیقات عملیات او شده مهندسین مذکور پس از مراجعت را پورت خود را تقدیم و اینک برای اینکه حضوراً از مشارالیه تحقیقات لازمه نمایند و رسیدگی باینکار شود بمركز احضار گردیده که در کمیون مخصوص این موضوع مورد رسیدگی واقع شود.

(شقی سرخ)

جلوگیری از خروج اسعار

متحدالامال ذیل از طرف وزارت پست و تلگراف بموم دفاتر پست صادر کردید

مطابق قانون اسعار خروج اسعار خارجی و اسکناس ایران از مملکت قدغن است و مأمورین پست موظفند از صدور اوراق مزبور بطور قاجاق جلوگیری نمایند

بنا بر این هر موقع سوء ظن حاصل نمایند که در پاکت به مقصد خارجه اعم از سفارشی یا یمه شده اسعار خارجی یا اسکناس قرار دادند بر طبق جمله آخر ماده ۵۸ قانون پستی اجازه داده میشود از فرستنده تقاضا نمایند پاکت را باز و محتوی آن را ارائه دهند در صورتیکه پاکت مزبور حاوی اسعار خارجی باشد اجازه کمیسیون اسعار را برای صدور مطالبه نمایند و چنانچه اجازه نداشته باشد مرسله را ضبط و مراتب را با اسم و آدرس صاحب آن به کمیسیون تقشیر اسعار خارجی اطلاع دهد و در صورت استکاف فرستنده از باز کردن پاکت عین آن را ضبط و با حضور مدعی العموم باز نمایند در محلی که مدعی العموم وجود نداشته باشد بمركز بفرستند که با حضور مدعی العموم باز و نسبت بمحتوی آن تحقیقات بعمل آید.

کارخانه قندریزی

کاتالوک ها و پیشنهاد های قسمت عمده کمپانی های آلمانی و فرانسوی و بلژیکی و چکوسلواکی از پاریس واصل شده و مورد مطالعه است. مابین اینها و کاتالوک هائی که واصل شده و نیز در نتیجه تحقیقاتی که به عمل آمده است از قرار مذکور خرید کارخانه قند سازی از کمپانی های بلژیکی مناسب تر بوده و از مرکز نیز یکی از کمپانی های بلژیکی معرفی شده که در پیشنهادش دقت شود و بدین جهت ممکن است که کارخانه از بلژیک خریداری شود.

انضال ایالت شمال بایات شرق

یکی از راه های که لزوم ساختمان آن مورد توجه است ایجاد راه شوسه دائمی و مهمی بین صحرای تراکمه و نقاط مختلفه خراسان و مربوط ساختن قسمت شمالی بصفحات شرقی است.

در این قسمت فعلاً ساختمان راه شوسه بین صحرای تراکمه بخورد شروع شده اعتباری برای آن منظور و مأمورین شروع بکار کرده اند.

نوغان

از طرف اداره کل نوغان رؤسا. ادارات نوغان ولایات احضار شده اند که عملیات و اقدامات خود را راپرت داده و پس از اخذ دستورات کافی برای توسعه نوغان مراجعت نمایند و رئیس نوغان کیلان آقای رئیس التجار بمركز عزیمت کرده است.

بانک فلاحی

شعبه بانک فلاحی تشکیل گردیده اعضا آن انتخاب و تشکیلات آن خاتمه یافته مشغول کار شده اند.

اند که از آن جله تریاکی بود که در راه همدان و کرمانشاه از سر هنک گیکو کشف شده (در حدود ۷۰ من) و مرتکب در نظمی توقیف و خلع درجه گردید.

این قاچاق به چند خروار بالغ می شود متهمین آن تحت تعقیب هیئت تفتیشیه همدان می باشند.

معامله متقابل

از چندی قبل بموجب قانون مصوبه تجارت با شمال معامله متقابل بوده و در مقابل اجناسی که وارد می شود مبادله جنس بعمل آمده و وجه نقد در مقابل اجناس روس پرداخته میشود.

اجناسی که فعلا از طرف دولت شوروی با اجناس و مال التجاره های ایران مبادله می شود عبارت است از اقسام منسوجات، آهن لوله، چینی و بلور آلات و اجناس دیگر از این قبیل مال التجاره هائی که با این اجناس مبادله می شود و روسها طالب آن می باشند عبارت اند از:

۱- کتیرا - کتیرائی که مبادله می شود کتیرای مخلوط واره بر می باشد که اخیرا تجار برای مبادله با اجناس روسی خریداری می نمایند و قیمت آنها ترقی کرده است.

۲- پنجه که چون آخر نوغان است کیاب است ولی خریدار دارد و مظنه فعلی آن خرواری ۹۰ تومان میباشد.

۳- پشم - ۴- برنج - ۵- مقداری خشکبار

قیمت اجناس روسی تومانی یکی دو قران ترقی یافته است.

در قسمت قند و شکر اخیرا مبادله جنسی نشده است و اکنون قند که از چندی قبل در بندر جز موجود بوده و مقداری دیگر در پهلوی بقران فروخته شده و قندهای موجودی نیز چند روز یکدفعه بفروش میرسد و همین جهت قیمت قند ترقی کرده و بازار رو بترقیست.

برای این که ترتیب صحیحی در قسمت تجارت بارو سید داده شود مطالعات و مذاکراتی جریان دارد.

ناکس دلالی

چون حقی که دلال های بازار از طرفین معاملات و تجار دریافت می دارند مقید به نظم و ترتیب نبوده و کمتر با رعایت تناسب حق دلالی دریافت می شود.

در نظر است که ناکس معینی بنسبت معاملات برای دلال ها وضع شده و هر دلال پس از معرفی ضامن دارای نمره مخصوصی بوده و بموجب اوراق و اسناد متحد الشکلی که تهیه خواهند کرد حق معینی از دلالی دریافت دارند.

ناکس حمالی

برای این که حال ها بر طبق مقررات صحیحی کار کرده و نرخ حمالی را بتناسب محمول و بیمران معینی دریافت دارند و نیز بدین جهت که با نهایت اطمینان بتوان جنسی را بحال سپرد بدیده طهران در نظر دارد که اولاً دفتر مخصوصی برای حال ها ترتیب داده اساسی آنها را ثبت و از هر يك ضمانت گرفته نمره ای به آنها بدهد و ثانیاً ناکسی به تناسب محمولات برای حمالی تعیین نماید که اجرت بموجب آن دریافت گردد.

شرکت سهامی بانک پهلوی

بانک پهلوی از عده ای از تجار درجه اول دعوتی به عمل آورده بود -

۶۰ نفر از تجار درجه اول در بانک پهلوی حضور بهم رسانیده مراسم پذیرائی بعمل آمد.

ابتدا آقای سر هنک رضا قلی خان رئیس بانک پهلوی خطاب به مبنی بر تاریخچه بانک و کمک آن با اقتصادیات مملکت و پیشرفت های آن و بالاخره امر اعاض حضرت هایونی به تبدیل آن به بانک سهامی قرائت کرده سپس آقا میرزا ابوطالب اسلامیه راجع با اهمیت این اقدام و لزوم شرکت در آن و آقای شریعت زاده راجع بمنافع شرکت و اشتراك مناعی هر کدام شرحی بیان کردند.

آنگاه اوراقی که عبارت از درخواست خرید اسهام بود بین حاضرین تقسیم شده هر يك خرید مقداری سهم را تعهد کردند.

حد اکثر سهمی که خریداری شد سصد سهم (سی هزار تومان) و حداقل آن بیست سهم (هزار تومان) بود از طرف عده مزبور متجاوز از یکصد و پنجاه هزار تومان سهم خریداری شد.

از آن به بعد نیز از طرف تجار و غیره سهم هائی خریداری گردیده است.

راه رواندوز

راه رواندوز در قسمت موصل از طرف مامورین مربوطه خارجی اقدام با ختمان شده مشغول می باشند و کارهای داخلی این راه تا سال آینده ساخته شده و راه در سال ۱۳۱۰ افتتاح خواهد شد.

استفاده از فشار آب

از چندی قبل پیشنهادی تقدیم شده بود که کار خانه فشار آب و هیدرو الکتریک در لشکرک تاسیس شده و از آب رود خانه جاجرود استفاده شده قوه الکتریک از آن گرفته و بمصارف لازمه برسد.

این موضوع تحت مطالعه قرار گرفته و مذاکرات لازمه پیشنهاد کننده (آقای حیدری) به عمل آمده موافقت حاصل گردیده و امتیاز نامه آن فریاً تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد.

صاحب امتیاز که مقدمات کار خود را فراهم کرده است در نظر دارد پس از تاسیس کار خانه و تولید قوه الکتریک از فشار آب کار خانه جات مناسبی در محل مزبور تاسیس نماید.

قاچاق مهم تریاک

چندی قبل مقامات مربوطه را بهرت داده شده که در همدان عده ای از تجار و غیره شرکتی برای قاچاق تریاک تشکیل داده و مشغول می باشند.

در تعقیب این اطلاع يك هیئت تفتیشیه به ریاست آقای سرتیب توفیقی بهمدان اعزام گردید قضیه را در تحت تعقیب قرار دادند و معلوم داشته اند که قاچاق مزبور مهم بوده و عده در آن شرکت داشته

خریداران اروپا و آمریکا اگر قالی ممتاز طالبند به ادرس
ایشان (کد) آن تجارتخانه آقا محمد حسن تاجر فرشچی
مراجعه نمایند بهره مند خواهند شد -

اعلان

آقا علی اکبر تاجر یزدی معروف به بابلی که مدت ها
در روسیه تجارت داشته درین ایام برای خدمت به اقتصاد
ابتکاری کرده و ماشینی که در او میوه ها را با شیره شکر
می جوشانند و این میوه مدت ها بحالت طراوت و تازه گی
می ماند وارد کرده و هر قسم میوه های ممتاز ایرانی
به این وسیله در قطی های حلبی پرورش داده و بهر جای
دنیا حمل و نقل می نماید چنانچه قریباً چند صندوق برای فروش
بکلکته و بمبئی هم حمل خواهد نمود تا آقایانی که میخواهند
در سر میز بهار خود پس از صرف غذا به تناول میوه های
تازه ایرانی بپردازند و کاملاً ازین فوا که لذیذ و متمتع شوند
و در ضمن خدمتی هم به اقتصاد وطن نموده باشد -

کومپوت خراسان

از بهترین میوه های تازه و ممتاز خراسان و بادقت کامل
و رعایت اصول صحی ساخته و تهیه شده است

شرکت کارخانه کمپوت سازی تجارتخانه حاج عبدالحسین

طهرانی و پسران و میرزا علی اکبر یزدی بابلی

مشهد - ایران

Compote Khorassan

DE FRUITS FRAIS DE CHOIX

—:—:—

SOCIETE POUR FABRICATION DE COMPOTE

HADJI ABDOL HOSSEIN TEHERANI & FILS ET MIRZA ALI AKBAR PAPUL

MESHED-PERSE

COMPOT MANUFACTURING CO. (KHORASSAN)

HADJI ABDOL HOSSEIN TEHERANI & SONS

MESHED, PERSIA.

—:—:—

SPECIAL MANUFACTURERS FOR SELECTED TIN
FRUITS-IN SIRUP

توسعه نوغان

قسمت تربیت نوغان در نقاط مختلفه توسعه و پیشرفت یافته و در
سال جاری در کیلان توت کاری نسبت بسنوات قبل يك ثلث بیشتر
بوده است -

رواج امتعه وطنی

در ظرف چند ماه اخیر بازار امتعه داخلی مخصوصاً در قسمت
منسوجات رونقی یافته و معاملاتی شده است و چون از اول سال آینه
باید تمام مستخدمین لباس وطنی بپوشند قیمتی شروع بخريد منسوجات
وطنی نموده و اقدام شده است که پارچه های بهتری تهیه گردد -

ایران آزاد

روزنامه ایران آزاد که بار دیگر شروع به انتشار نموده و بطور
یومیه در طهران طبع و توزیع میشود، قلم به اندازه عده مشترکین
طبع میگردد لهذا آقایان محترمی که مایل به اشتراك این روزنامه باشند
در هر نقطه از ایران که هستند ممکن است شماره های روز نامه را
از اداره یکی از جرائد شریفه آن محل (برای تمام جراید ایران
ارسال میشود) گرفته و مطالعه فرمایند هرگاه مایل به اشتراك شدند
کتاباً بدفتر اداره ایران آزاد اطلاع داده و وجه اشتراك را ارسال
دارند تا روزنامه مرتباً فرستاده شود -

(دفتر روزنامه ایران آزاد)

صنعت گر قابل

رجحان قالی بافت کاشان را نسبت بسایر مراکز قالی

ارباب سلیقه تصدیق دارند

مخصوصاً قالی و قالیچه هائیکه از کارخانه (آقا محمد حسن

تاجر فرشچی) بیرون می آید فوق العاده از حیت بافت و
رنگ ثابت و نقش و رنگ آمیزی مورد توجه می باشد

تا آن جا که جلب توجه مقامات عالیه را کرده قالیهای
فرمایشی اعلیحضرت پهلوی که برای قصور سلطنتی امر و

سفارش میدهند بکارخانه ایشان ارجاع و کاملاً مطبوع طبع
و پسند بندکان اعلیحضرت همایونی واقع گردیده

اداره حبل المتین هم در سال جاری وجوه آبخوان خود را

بوکالت مرکزی دستور خرید قالی داده آنچه رسیده بیشتر

آن از کارخانه مشارالیه بوده حقیقتاً قابل تمجید است

در مطبعه « اتحاد » نمره ۱ - ۲۶ امری پوکر رود کلکتہ طبع و توزیع گردید

THE ITTIHAD PRESS 26-1, AHERIPUKUR ROAD, CALCUTTA.